

A Critical Reexamination of the Sunni View of the Verse of Purification, with Emphasis on the Article “Āyat al-Taḥrīr Bayna al-Siyāq al-Qur’ānī wa al-Ta’wīl al-Madhmūm” Reprehensible Interpretation”*

Research Article

Emamatpajouhi,
Thirteenth year, vol .1
Spring & Summer 2023
DOI:10.22034/
jep.2025.557653.1694
jep.emamat.ir



copyright© the authors

Reza Bazvand¹ / Majid Motahhari Rad²

Abstract

The Verse of Purification is one of the most important verses of the Holy Qur’an in explaining the position of the Prophet’s Ahl al-Bayt and establishing their infallibility and Imamate. For this reason, over past centuries as well as in recent years, some Sunni writers have attempted to present a different interpretation of the verse, portraying its referents and implication in another way and thereby casting doubt on the theological foundations of Shi’ism. Among the recent studies in this field is an article entitled “Āyat al-Taḥrīr Bayna al-Siyāq al-Qur’ānī wa al-Ta’wīl al-Madhmūm.” Adopting a critical approach toward the Shi’i view, the author seeks, through appeal to the context of the verses and literary analysis, to include the Prophet’s wives within “Ahl al-Bayt” and to construe the divine will in the verse as legislative, thus denying its indication of infallibility. Using an analytical-critical method and relying on authoritative Sunni sources and principles, the present study examines and critiques the main views advanced in that article. The findings show that, first, the occasion of revelation of the Verse of Purification, based on sound and mutawātir reports in the sources of both parties, exclusively concerns the People of the Cloak; reports including the wives are weak. Second, literary-linguistic analysis and textual and transmitted indicators confirm a specific meaning of “Ahl al-Bayt” that does not include the Prophet’s wives. Third, the divine will in this verse is ontological, definitively removing all impurity and bringing about the complete purification of the Ahl al-Bayt, thus clearly indicating their infallibility. The article also offers reasoned responses to other objections raised in the target article.

Keywords: Ahl al-Bayt; infallibility; Verse of Purification; occasion of revelation; context; ontological will; legislative will.

*. Data of receipt: 13/9/2024, Data of acceptance: 29/12/2024.

1. Level Three Seminary Student, Specialized Center for the Imamate of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), Qom, Iran. (Corresponding Author). rezabazvand1071@gmail.com.

2. Level Four Seminary Student, Specialized Center for the Imamate of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), Qom, Iran. majidmr23@yahoo.com.

إعادة قراءة نقدية لوجهة نظر أهل السنة حول آية التطهير مع التركيز على مقالة «آية التطهير بين السياق القرآني والتأويل المذموم»*

رضا بازوند^١ / مجيد مطهري راد^٢

مقالة محكمة

امامت پژوهش
السنة الثالثة عشرة
العدد الأول، الربيع
والصيف سنة ٢٠٢٣
jep.emamat.ir



الملخص

تُعَدُّ آية التطهير من أهم آيات القرآن الكريم في بيان مكانة أهل بيت النبي ﷺ وإثبات عصمتهم وإمامتهم. ومن هذا المنطلق، بذل بعض كتاب أهل السنة عبر القرون وحتى في السنوات الأخيرة جهوداً لتقديم تفسير مختلف، بحيث يُصَوِّرون مصاديق الآية ودلالاتها بطريقة أخرى، ومن ثم يشككون في أسس كلام الشيعة. ومن بين البحوث الحديثة في هذا المجال، المقالة المعنونة بـ «آية التطهير بين السياق القرآني والتأويل المذموم». حاول مؤلف هذه المقالة، من خلال مقارنة نقدية لرأي الشيعة، أن يشمل بـ «أهل البيت» زوجات النبي ﷺ أيضاً، كما حمل إرادة الله في الآية على الإرادة التشريعية لينفي دلالة الآية على العصمة. يعالج البحث الحالي هذه المسائل بأسلوب تحليلي - نقدي، مستنداً إلى المصادر والمبادئ المعتمدة عند أهل السنة، ويناقش أهم وجهات النظر المطروحة في المقالة المشار إليها. وتُظهر النتائج ما يلي: أولاً، شأن نزول آية التطهير، استناداً إلى الروايات الصحيحة والمتواترة في مصادر الفريقين، يختص حصراً بأصحاب الكساء ﷺ، في حين أن الروايات الضعيفة التي تشمل الزوجات لا قيمة لها. ثانياً، التحليل اللغوي - الأدبي والقرائن النصية والرواية يؤكد معنى عنوان «أهل البيت» الخاص، وينفي شمول زوجات النبي ﷺ. ثالثاً، إرادة الله في هذه الآية من نوع تكويني، تؤدي قطعياً إلى إزالة كل رجس وتطهر كامل لأهل البيت ﷺ، وتدل صراحة على عصمتهم. كما يقدم البحث رداً مستنداً على الشبهات المثارة في المقالة المستهدفة، بما في ذلك الاستناد إلى السياق، وتعميم الآية على سائر الأئمة ﷺ، وغير ذلك.

الكلمات المفتاحية: أهل البيت، العصمة، آية التطهير، شأن النزول، السياق، الإرادة التكوينية، الإرادة التشريعية.

*. تاريخ التسليم: ٢٠٢٤/٩/١٣، تاريخ القبول: ٢٠٢٤/١٢/٢٩.

١. طالب في المستوى الثالث في الحوزة، المركز التخصصي لإمامة أهل البيت ﷺ، قم، إيران. (المؤلف المسؤول). rezabazvand1071@gmail.com.

٢. طالب في المستوى الرابع في الحوزة، المركز التخصصي لإمامة أهل البيت ﷺ، قم، إيران. majidmr23@yahoo.com.

بازخوانی انتقادی دیدگاه اهل سنت درباره آیه تطهیر با تأکید بر مقاله «آیه التطهیر بین السیاق القرآنی والتأویل المذموم»*

رضا بازوند^۱ / مجید مطهری راد^۲

چکیده

آیه تطهیر از مهم‌ترین آیات قرآن کریم در تبیین جایگاه اهل بیت پیامبر ﷺ و اثبات عصمت و امامت آنان است. از همین رو، در طول قرون گذشته و همچنین در سالیان اخیر، تلاش‌هایی در میان برخی نویسندگان اهل سنت صورت گرفته تا با تفسیری متفاوت، مصادیق آیه و دلالت آن را به گونه‌ای دیگر جلوه دهند و از این رهگذر، پایه‌های کلامی شیعه را مورد تردید قرار دهند. از جمله پژوهش‌های اخیر انجام شده در این زمینه، مقاله‌ای با عنوان «آیه التطهیر بین السیاق القرآنی والتأویل المذموم» است. نویسنده این مقاله با رویکرد انتقادی نسبت به دیدگاه شیعه کوشیده است تا با استفاده از سیاق آیات و تحلیل‌های ادبی، «اهل البيت» را شامل همسران پیامبر ﷺ نیز بداند، و همچنین اراده الهی در آیه را بر اراده تشریعی حمل کرده تا دلالت آیه بر عصمت را نفی کند. پژوهش حاضر با روش تحلیلی - انتقادی و با تکیه بر منابع و مبانی معتبر نزد اهل سنت به واکاوی و نقد مهم‌ترین دیدگاه‌های مطرح شده در مقاله مذکور پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اولاً، شأن نزول آیه تطهیر با استناد به روایات صحیح و متواتر در منابع فریقین، منحصرأ

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۶/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۹.

۱. طلبه سطح سه حوزه، مرکز تخصصی امامت اهل بیت ﷺ، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

rezabazvand1071@gmail.com

۲. طلبه سطح چهار حوزه، مرکز تخصصی امامت اهل بیت ﷺ، قم، ایران.

majidmr23@yahoo.com

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
امامت پژوهی، سال سیزدهم
شماره اول، شماره پیاپی ۳۳
بهار و تابستان ۱۴۰۲
صفحه ۱۳۳ - ۱۷۶
jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2025.557653.1694



copyright© the authors

مربوط به اصحاب کساء علیهم السلام است و روایات ضعیف السند قائل به شمول همسران، فاقد اعتبار هستند. ثانیاً، تحلیل ادبی - لغوی و قرائن متنی و روایی، معنای خاص عنوان «اهل البیت» را تأیید کرده و آن را شامل همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نمی داند. ثالثاً، اراده خداوند در این آیه، از نوع تکوینی است که به طور قطعی به اذهاب هرگونه رجس و تطهیر کامل اهل بیت علیهم السلام منجر شده و بر عصمت ایشان دلالت صریح دارد. این مقاله همچنین به شبهات مطرح شده در مقاله هدف، از جمله استناد به سیاق، مسئله تعمیم آیه به سایر ائمه علیهم السلام و... پاسخی مستدل ارائه کرده است.

کلیدواژه‌ها: اهل بیت، عصمت، آیه تطهیر، شأن نزول، سیاق، اراده تکوینی، اراده تشریعی.

مقدمه

آیه تطهیر: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^۱ یکی از آیات مهم و کلیدی قرآن کریم است که در میان آیات سورة احزاب جای گرفته و به واسطه مضمون بلند آن در باب طهارت و عصمت اهل بیت علیهم السلام، همواره مورد توجه عالمان، مفسران و اندیشمندان مسلمان قرار گرفته است. این آیه، علاوه بر محتوا و مفاد معنایی اش، از جهات کلامی، تفسیری، حدیثی و اصولی نیز نقشی سرنوشت ساز داشته و دارد. پژوهش درباره این آیه اثر بسزایی در مباحث بنیادینی همچون امامت و عصمت اهل بیت علیهم السلام دارد.

از آنجاکه این آیه مستند بسیاری از اعتقادات شیعیان نسبت به جایگاه منحصر به فرد اهل بیت علیهم السلام است، تلاش هایی در میان برخی نویسندگان اهل سنت صورت گرفته تا با تفسیری متفاوت، مصادیق آیه را به گونه ای دیگر جلوه دهند و از این رهگذر، پایه های کلامی شیعه را مورد تردید قرار دهند. از همین رو، بررسی علمی و مستند این دعاوی و نقد و تحلیل آنها ضرورتی انکارناپذیر دارد.

در طول قرون گذشته، ده ها تفسیر قرآنی، کتب حدیثی، آثار کلامی و آثار مستقل درباره آیه تطهیر نگاشته شده و هریک از منظری به تحلیل شأن نزول، دلالت ها

و مصادیق آیه پرداخته‌اند. علمای شیعه، با استناد به روایات صحیح و متواتر در منابع فریقین، مصداق اهل بیت را خمس طیه (رسول خدا، امیرالمؤمنین، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام) دانسته و همسران پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم را از آن خارج می‌دانند. از سوی دیگر، برخی نویسندگان اهل سنت، با استناد به سیاق یا روایات غیرمعتبر، تلاش داشته‌اند همسران پیامبر را در آیه داخل کنند. این دیدگاه‌ها در طول تاریخ بارها توسط علمای شیعه پاسخ داده شده است، اما با ظهور قرائت‌های جدید و ادعاهای مدرن، پاسخ‌های متقن و ناظر به آثار معاصر همچنان لازم و ضروری است.

یکی از این تلاش‌ها در قالب مقاله‌ای با عنوان «آیه التطهیر بین السياق القرآنی والتأویل المذموم: دراسة عقدية مقارنة في ضوء عقيدة أهل السنة والجماعة» است که در شماره ۲۷ «مجله الدراسات العقدية» در سال ۱۴۴۲هـ منتشر شده است. نویسنده این مقاله، دکتر فهد بن کریم بن محمد الأنصاري دانشیار گروه عقیده در دانشکده علوم و آداب دانشگاه الباحة است.

وی در این مقاله با تکیه بر ظاهر سیاق آیات پیشین و پسین آیه تطهیر، و بدون توجه کافی به مبانی تفسیری و حدیثی، سعی کرده است همسران پیامبر را در شمول عنوان «أهل البيت» داخل کرده و حتی باور شیعیان به انحصار مصداق در خمس طیه را نوعی «تأویل مذموم» قلمداد نماید. همچنین کوشیده تا با استناد به استعمالات مختلف واژه «اراده» در قرآن و دلایل دیگر، اثبات کند که اراده خداوند در آیه تطهیر، از نوع اراده تشریعی است؛ در نتیجه دلالت آیه بر عصمت «أهل البيت» را مخدوش سازد. از همین رو، بررسی و نقد دقیق و علمی این مقاله، به منظور کشف پیش‌فرض‌های نادرست، خطاهای استدلالی و اشکالات روش‌شناختی آن، بسیار ضروری است.

مقاله حاضر در پی آن است که با بهره‌گیری از منابع معتبر اهل سنت و مبانی پذیرفته شده نزد آنان، با روش تحلیلی - انتقادی به تحلیل آیه تطهیر و بررسی انتقادی مقاله مذکور بپردازد. این مقاله در سه بخش اصلی: شأن نزول آیه؛ بررسی شمول «أهل البيت» نسبت به همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم؛ و دلالت آیه بر عصمت اهل البيت علیهم‌السلام؛ تنظیم شده است.

۱. شأن نزول آیه

روایات صحیح و متواتره در کتب معتبره فریقین به نقل از پیامبر خدا ﷺ، صحابه و تابعین یافت می شود که به صورت صریح، دلالت دارند بر اینکه آیه تطهیر در شأن خمسة طيبة ﷺ، آنگاه که زیر کساء جمع شده بودند، نازل شده است.

سیوطی در الدر المنثور به نقل از طبری، ابن ابی حاتم و طبرانی، از ابو سعید خدری، از پیامبر خدا ﷺ روایت می کند که ایشان فرمود: «نزلت هذه الآية في خمسة: في وفي علي وفاطمة وحسن وحسين» **«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»**^۱.

در این روایت به صورت صریح با استفاده از عدد «خمس» که مفهوم آن نفی حکم از تعداد بیشتر یا کمتر است^۲، شأن نزول آیه تطهیر، خمسة طيبة ﷺ معرفی شده اند. همچنان که از عبارت سیوطی مشخص است، طبری و ابن ابی حاتم این روایت را در تفسیر خود نقل کرده اند. این دوازده مفسران متقدم و بزرگ اهل سنت اند؛ به گونه ای که ابن تیمیه آن ها را دارای لسان صدق در اسلام معرفی می کند و آنچه در تفاسیر آن ها نقل شده را مورد اعتماد می داند^۳. همچنین ابن ابی حاتم ملتزم شده است که در تفسیرش، روایات را با صحیح ترین اسانید نقل کند^۴. بنابراین روایت مذکور از روایات معتبر نزد اهل سنت است.

أم سلمه همسر پیامبر ﷺ نیز به نزول آیه تطهیر در شأن خمسة طيبة ﷺ تصریح نموده است. سیوطی در الدر المنثور می نویسد:

ابن جریر، ابن منذر، ابن ابی حاتم، طبرانی و ابن مردویه از أم سلمه،

۱. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، ۴۰/۱۲. این روایت به صورت موقوف نیز از ابو سعید خدری نقل شده است. ر.ک: واحدی، علی بن احمد، أسباب نزول القرآن، ص ۳۵۴؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، ۵۶/۳.

۲. زحیلی، وهبة، أصول الفقه الإسلامي، ۳۶۵/۱.

۳. حرانی، احمد بن عبد الحليم، منهاج السنة النبوية، ۱۹۷/۷.

۴. رازی، عبد الرحمن بن محمد، تفسير القرآن العظيم (تفسير ابن أبي حاتم)، ۱۴/۱؛ همچنین ر.ک: سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الإتقان في علوم القرآن، ۲۳۳۴/۶-۲۳۳۵؛ کنانی، علی بن محمد، تنزيه الشريعة المرفوعة عن الأحاديث الشنيعة الموضوعة، ۱۴۱/۱.

همسر پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند که: رسول خدا ﷺ در خانه او بر روی بستری بود که بر روی آن پتویی خیسری بود. فاطمه آمد با دیگی که در آن آش گوشت بود. رسول خدا ﷺ فرمود: «همسرت و دو پسر حسن و حسین را فراخوان». پس آنان را فراخواند. درحالی که آنان در حال غذا خوردن بودند، این آیه بر پیامبر ﷺ نازل شد: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾. پس پیامبر ﷺ پارچه اضافۀ عبای خود را گرفت و آنان را با آن پوشاند. سپس دست خود را از زیر عبا بیرون آورد و به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَحَامَتِي، فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا؛ خدایا! اینان اهل بیت و خویشان خاص من هستند. پس هر پلیدی و ناپسندی را از آنان دور کن و آنان را پاک و طاهر گردان». این را سه بار تکرار کرد. اُم سلمه می‌گوید: پس سرم را در پرده داخل کردم و گفتم: ای رسول خدا! آیا من هم با شما هستم؟ فرمود: «إِنَّكَ إِلَيَّ خَيْرٌ؛ تو بر خیری». این را دو بار گفت.^۱

و نیز می‌نویسد:

روایت کرده است ترمذی - و آن را صحیح دانسته، ابن جریر، ابن منذر، حاکم - و آن را صحیح دانسته، ابن مردویه و بیهقی در سنن خود از طرق مختلف از اُم سلمه که گفت: این آیه: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ﴾، در خانه من نازل شد، درحالی که در خانه، فاطمه، علی، حسن و حسین بودند. پس رسول خدا ﷺ آنان را با عبایی که بر خود داشت پوشاند، سپس فرمود: «اینان اهل بیت من هستند، پس هر پلیدی و ناپسندی را از آنان دور کن و آنان را پاک و طاهر گردان».^۲

۱. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، ۳۶/۱۲-۳۷.

۲. همان، ۳۹/۱۲-۴۰.

عایشه^۱، ابن عباس^۲ و عبد الله بن جعفر بن ابی طالب^۳ از دیگر صحابه پرشماری هستند که به نزول آیه تطهیر در شأن اصحاب کساء تصریح کرده‌اند و روایت آنان با سند صحیح در منابع معتبر اهل سنت موجود است.

بنابراین پیامبر خدا ﷺ و بسیاری از صحابه که نام و روایت برخی از آن‌ها (نه همه آن‌ها) را ذکر نمودیم، به صراحت سبب نزول آیه را خمس طیبه ﷺ می‌دانند. بسیاری از عالمان و بزرگان اهل سنت نیز به این مطلب اعتراف کرده‌اند. ابو جعفر طحاوی^۴، ابو منصور عبد الرحمن بن محمد دمشقی^۵، ذهبی^۶، ابن حجر هیتمی^۷ و شوکانی^۸ از جمله این افرادند.

اما سخنی که از ابن عباس و عکرمه درباره نزول این آیه در شأن همسران پیامبر ﷺ نقل شده، مردود و غیر قابل احتجاج است.^۹

۱-۱. نقد و بررسی سخن منسوب به ابن عباس و عکرمه پیرامون سبب نزول آیه

قول به نزول آیه در شأن همسران پیامبر ﷺ از ابن عباس به دو طریق روایت شده است: یکی از طریق سعید بن جبیر و دیگری از طریق عکرمه.

۱. ر.ک: نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ۱۸۸۳/۴ شماره ۲۴۲۴؛ سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، ۴۰/۱۲.
۲. ر.ک: شیبانی، احمد بن محمد، فضائل الصحابة، ۶۸۲/۲-۶۸۴ شماره ۱۱۶۸؛ نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۱۴۳/۳، شماره ۴۶۵۲؛ هیتمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ۱۱۹/۹.
۳. نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۱۵۹/۳-۱۶۰، شماره ۴۷۰۹.
۴. طحاوی، احمد بن محمد، شرح مشکل الآثار، ۲۴۵/۲.
۵. دمشقی، عبد الرحمن بن محمد، کتاب الأربعین في مناقب أمهات المؤمنين، ص ۱۰۶.
۶. ذهبی، محمد بن أحمد، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، ۲۹/۲-۳۰.
۷. هیتمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقه، ۴۲۱/۲.
۸. شوکانی، محمد بن علی، إرشاد الفحول إلى تحقیق الحق من علم الأصول، ۳۹۶/۱-۳۹۷.
۹. نویسنده مقاله مورد نقد به قول منسوب به ابن عباس و عکرمه درباره شأن نزول آیه تطهیر اعتماد و استدلال کرده است. ر.ک: انصاری، فهد بن کریم، «آیه التطهیر بین السیاق القرآنی والتأویل المذموم: دراسة عقدية مقارنة في ضوء عقيدة أهل السنة والجماعة»، مجلة الدراسات العقدية، ش ۲۷/ص ۲۲.

۱-۱-۱. طریق سعید بن جبیر

واحدی در أسباب النزول می نویسد:

ابو القاسم عبد الرحمن بن محمد سراج به ما خبر داد، گفت: محمد بن یعقوب به ما خبر داد، گفت: حسن بن علی بن عقیان به ما خبر داد، گفت: ابو یحیی حمانی به ما خبر داد از صالح بن موسی قرشی از خصیف از سعید بن جبیر از ابن عباس که گفت: این آیه درباره همسران پیامبر ﷺ نازل شد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ»^۱.

بررسی سندی

در سلسله سند این روایت، صالح بن موسی قرار دارد. نام کامل وی، صالح بن موسی بن إسحاق بن طلحة بن عبید الله الطلحي الکوفي است^۲. همه عالمان و رجال شناسان اهل سنت وی را تضعیف کرده اند^۳. بنابراین صالح بن موسی ضعیف است و روایات او به هیچ وجه قابل احتجاج نیست.

افزون بر اینکه شیخ و شاگرد صالح بن موسی در این سند؛ یعنی خصیف و أبو یحیی الحماني نیز اگرچه توسط برخی توثیق شده اند، اما در عین حال، بعضی دیگر از بزرگان رجالی اهل سنت، آن ها را تضعیف نموده اند^۴.

حاصل آنکه بر اساس مطالب گذشته، حتی نمی توان این روایت را به سعید بن جبیر نسبت داد، چه رسد به ابن عباس.

۱-۱-۲. طریق عکرمه

ابن کثیر در تفسیر خود می نویسد:

به همین صورت ابن ابی حاتم روایت کرده، او می گوید: علی بن حرب موصلی برای ما حدیث نقل کرد، [گفت: زید بن حباب برای ما حدیث

۱. طبرانی، سلیمان بن أحمد، أسباب نزول القرآن، ص ۳۵۵.

۲. عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، ۴۰۴/۱.

۳. همان، ۴۰۴/۴-۴۰۵؛ همو، تقریب التهذیب، ص ۲۷۴؛ ذهبی، محمد بن احمد، الکاشف فی معرفة من له رواية في الكتب الستة، ۴۹۹/۱.

۴. عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، ۱۴۳/۳-۱۴۴؛ همان، ۱۲۰/۶.

نقل کرد، [گفت:] حسین بن واقد برای ما حدیث نقل کرد از یزید نحوی از عکرمه از ابن عباس که او در تفسیر آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» گفت: این آیه به طور خاص درباره همسران پیامبر ﷺ نازل شده است.^۱

این قول از خود عکرمه نیز روایت شده است. طبری در تفسیر خود در این باره می نویسد:

ابن حمید برای ما حدیث نقل کرد، گفت: یحیی بن واضح برای ما حدیث نقل کرد، گفت: اصبع بن علقمه برای ما حدیث نقل کرد، گفت: عکرمه در بازار فریاد می زد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» و می گفت: این آیه به طور خاص درباره همسران پیامبر ﷺ نازل شده است.^۲

بررسی سندی

همان گونه که گذشت، قول نزول آیه تطهیر در شأن همسران پیامبر ﷺ، هم توسط خود عکرمه مطرح شده و هم او این قول را به ابن عباس نسبت داده است. از این رو باید شخصیت عکرمه را بررسی نماییم تا دریابیم که آیا این قول معتبر است و قابلیت احتجاج دارد یا خیر؟ و آیا انتساب این سخن به ابن عباس صحیح است یا خیر؟ عکرمه بربری غلام ابن عباس است. او در ابتدا غلام حصین بن ابی الحر عنبری بوده است. حصین بن ابی الحر آنگاه که ابن عباس از سوی امیرالمؤمنین علیه السلام و الی بصره شد، عکرمه را به ابن عباس بخشید.^۳ عکرمه از خوارج بوده و به همین سبب ابن عباس او را خبیث خوانده است. او حتی ادعا کرده که ابن عباس هم معتقد

۱. دمشقی، اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۴۱۰/۶؛ و نیز ر.ک: دمشقی، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ۱۵۰/۶۹.

۲. طبری، محمد بن جریر، تفسیر الطبری (جامع البیان عن تأویل آی القرآن)، ۱۰۷/۱۹-۱۰۸؛ و نیز ر.ک: ثعلبی، احمد بن ابراهیم، الکشف والبیان عن تفسیر القرآن، ۴۲۴/۲۱-۴۲۵؛ دمشقی، اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۴۱۰/۶؛ سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۳۶/۱۲.

۳. مزّی، یوسف بن عبد الرحمن، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ۲۶۵/۲۰.

به عقیده و نظر خوارج است.^۱ کذاب و دروغ‌گو بودن از صفات عکرمه دانسته شده است؛ خصوصاً اینکه بر ابن عباس هم دروغ می‌پسته است.^۲ خود عکرمه تصریح کرده که رأی و نظر خود را به ابن عباس نسبت داده است.^۳ از همین رو مالک بن انس، از ائمه چهارگانه فقهی اهل سنت، وی را ثقه نمی‌دانسته و دیگران را امر به عدم اخذ از او نموده است.^۴ بنابراین قول و نقل چنین شخصی - که از خوارج و دشمنان امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم‌السلام و از دروغ‌گویان بوده - به هیچ وجه قابلیت احتجاج را ندارد.

حاصل آنکه سبب نزول آیه تطهیر، خمسه طيبة علیها‌السلام هستند و قول به نزول این آیه در شأن همسران، سخنی جعلی است که به ابن عباس نسبت داده شده و حال آنکه ابن عباس چنین سخنی نگفته، بلکه او نیز سبب نزول آیه تطهیر را بنابر آنچه از او با سند صحیح روایت شده^۵، خمسه طيبة می‌داند. افزون بر این که این قول، اجتهاد در برابر نص است؛ زیرا همان‌گونه که گذشت، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به نزول این آیه، تنها در شأن خمسه طيبة تصریح می‌کند.

پس این که گفته شود: همسران سبب نزول آیه تطهیر هستند، بنابراین قطعاً داخل در حکم آیه هستند، چه به تنهایی و چه همراه با دیگران^۶، سخنی کاملاً مردود و بی‌اساس است؛ زیرا همچنان که اثبات نمودیم، همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اساساً سبب نزول آیه نیستند و این خمسه طيبة‌اند که سبب نزول هستند. از این رو ایشان قطعاً داخل در حکم آیه و مصداق «أهل البيت» هستند. اما این که آیا همسران نیز تحت عنوان «أهل البيت» قرار می‌گیرند یا خیر، بحث دیگری است که هم‌اکنون به بررسی آن می‌پردازیم.

۱. همان، ۲۷۷/۲۰-۲۷۹.

۲. همان، ۲۷۹/۲۰-۲۸۶.

۳. همان، ۲۸۶/۲۰.

۴. همان، ۲۸۳/۲۰.

۵. ر.ک: شیبانی، احمد بن محمد، فضائل الصحابة، ۶۸۲/۲-۶۸۴، شماره ۱۱۶۸؛ نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۱۴۳/۳، شماره ۴۶۵۲؛ هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ۱۱۹/۹.

۶. انصاری، فهد بن کریم، «آیه التَّطَهُّرِ بَیْنَ السِّیَاقِ الْقُرْآنِیِّ وَالتَّأْوِیلِ الْمَذْمُومِ: دَرَاةٌ عَقْدِیَّةٌ مَقَارَنَةٌ فِی ضَوْءِ عَقِیدَةِ أَهْلِ السَّنَةِ وَالْجَمَاعَةِ»، مجله الدراسات العقیدیه، ش ۲۷/ص ۲۲.

۲. بررسی شمول «أهل البيت» نسبت به همسران پیامبر ﷺ

«أَهْلُ الْبَيْتِ» شامل همسران پیامبر ﷺ نیست. ابتدا دلایل این ادعا را تحت چند عنوان بررسی می‌کنیم، و سپس ادله و شبهات مطرح شده در مقاله مورد نقد برای تعمیم «أهل البيت» به همسران پیامبر ﷺ را مطرح کرده و پاسخ می‌دهیم.

۲-۱. دلایل عدم شمول همسران

۲-۱-۱. تحلیل «البيت»

خداوند متعال در این آیه، «أَهْلُ الْبَيْتِ» را مورد خطاب قرار داده و از اراده خویش برای دور کردن پلیدی‌ها و ناخالصی‌ها از ایشان و تطهیر آنان خبر داده است. اینک این سؤال مطرح می‌شود که «بيت» مذکور در آیه، کدام بيت و خانه است؟ پاسخ به این پرسش اسباب شناخت «اهل» آن بيت را برای ما فراهم می‌سازد.

«الْبَيْتِ» در آیه تطهیر معرّف به «الف و لام» است. الف و لام تعریف دو گونه است: جنس و عهد. روشن است که الف و لام در «الْبَيْتِ» ممکن نیست الف و لام جنس باشد و کسی هم به آن قائل نشده است. پس این الف و لام، الف و لام عهد است؛ یعنی مراد و مخاطب خداوند، اهل یک بيت معهود و مشخص است. از آنجاکه الف و لام عهد سه گونه است: ذکری، حضوری و ذهنی، بيت معهود در آیه یا معهود ذکری است، یا معهود حضوری یا معهود ذهنی.

اما مورد اول؛ یعنی معهود ذکری نیست؛ زیرا آنچه در مقابل آمده، «يُؤْتِكُنَّ» با صیغه جمع و خطاب به همسران پیامبر ﷺ است؛^۱ از این رو اگر مقصود از بيت معهود، همان بیوت مذکور در گذشته، و الف و لام در «الْبَيْتِ»، الف و لام عهد ذکری می‌بود، باید به لفظ جمع «أهل البيوت» می‌آمد. افزون بر اینکه در این صورت، ناگزیر همسران پیامبر خدا ﷺ اهل آن بیوت بودند و فردی از افراد آن محسوب می‌شدند، حال آنکه پیامبر خدا ﷺ به سؤال برخی از همسران خود به هنگام نزول آیه در این باره که آیا آنان هم از «أَهْلُ الْبَيْتِ» هستند، صریحاً پاسخ منفی دادند و همسران خود را مصداق «أَهْلُ الْبَيْتِ» ندانستند. روایات این جریان به زودی در ادامه همین بحث خواهد آمد.

۱. «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا». سورة احزاب: ۳۳.

اما اگر الف و لام در «الْبَيْتِ»، الف و لام عهد حضوری و مراد از بیت، همان بیت محل نزول آیه؛ یعنی بیت اُم سلمه باشد، در این صورت، اُم سلمه اهل آن بیت و ساکن آن است، پس باید یکی از مصادیق قطعی «أَهْلُ الْبَيْتِ» باشد، درحالی که این گونه نیست؛ زیرا همچنان که خواهد آمد، پیامبر ﷺ به عدم شمول عنوان «أَهْلُ الْبَيْتِ» بر ایشان تصریح فرموده است.

بنابراین بیت مذکور در آیه، معهود ذکری و حضوری و در نتیجه بیوت همسران نیست. تنها موردی که باقی می ماند معهود ذهنی بین خداوند متعال و پیامبر ﷺ است. از این رو اهل این بیت و مصادیق آن را فقط پیامبر خدا ﷺ می داند و مردم فقط با بیان ایشان می توانند از مصادیق آن آگاهی یابند. پیامبر خدا ﷺ نیز همچنان که در مبحث شأن نزول گذشت، با گفتار و رفتار خود، اهل این بیت را برای مردم به خوبی و روشنی بیان و مشخص نمود. همان کسانی که پیامبر خدا ﷺ به مدّت چندین ماه هر روز به هنگام نماز صبح به درب خانه آنان می رفت و با عنوان «یا اهل البیت» آنان را خطاب نموده و به نماز فرامی خواند و آیه تطهیر را قرائت می نمود^۱.

پیامبر خدا ﷺ با این عمل خود و مداومت بر انجام آن به مدّت طولانی، به صورت صریح و روشن مصادیق «أَهْلُ الْبَيْتِ» را به همگان نشان دادند و حجت را بر مردم تمام کردند. ابوالمحسن ملطی در این باره می نویسد:

پس هیچ دلیلی برای هیچ کس در وارد کردن همسران [پیامبر] در این آیه وجود ندارد. گواه بر این مطلب است آنچه روایت شده که پیامبر خدا ﷺ هرگاه صبح فرامی رسید، به در خانه فاطمه می رفت و می فرمود:

۱. ر.ک: عبسی، عبد الله بن محمد، الكتاب المصنّف في الأحادیث والآثار، ۳۸۸/۶، شماره ۳۲۲۷۲؛ شببانی، احمد بن محمد، مسند أحمد بن حنبل، ۲۷۳/۲۱-۲۷۴، شماره ۱۳۷۲۸؛ ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الكبير (سنن الترمذی)، ۲۶۳/۵، شماره ۳۲۰۶؛ عتکی، احمد بن عمرو، البحر الزخار (مسند البزار)، ۲۱/۱۴، شماره ۷۴۱۹؛ طبری، محمد بن جریر، تفسیر الطبری (جامع البیان عن تأویل آی القرآن)، ۱۰۲/۱۹ و ۱۰۳؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، ۵۰/۳، شماره ۲۶۷۱؛ نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۱۷۲/۳، شماره ۴۷۴۸ و منابع دیگر.

سلام بر شما، ای اهل بیت، «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^۱.

بر اساس آنچه گذشت روشن شد که دخول اشخاص تحت عنوان «أَهْلُ الْبَيْتِ» تنها با نص معتبر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امکان پذیر است و صرف وابستگی و خویشاوندی نسبی یا سببی فردی با پیامبر صلی الله علیه و آله موجب نمی شود که او هم از مصادیق «أَهْلُ الْبَيْتِ» باشد. بنابراین، از آنجاکه نص معتبری از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مبنی بر دخول همسران ایشان تحت عنوان «أَهْلُ الْبَيْتِ» وجود ندارد و خود همسران نیز اساساً چنین ادعایی را مطرح نکرده اند، درمی یابیم که آنان از مصادیق «أَهْلُ الْبَيْتِ» نیستند. افزون بر اینکه نه تنها نص معتبر در این باره وجود ندارد، بلکه نص معتبر بر عدم دخول آنان از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است.

بنابر روایات، پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت صریح و آشکار، اجازه ورود به کساء را به ام سلمه و دیگر همسران خود نداند و آنان را از اهل بیت خویش ندانستند. این مطلب که در کتب معتبر اهل سنت نقل شده، راه را بر هرگونه تردید و شبهه افکنی بسته است. با وجود چنین تصریحی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، روشن می شود کسانی که می گویند: اهل بیت شامل همسران نیز می شود، سخنی کاملاً مردود و بی اساس و اجتهاد در مقابل نص گفته اند.

این مطلب با الفاظ و عبارات گوناگون از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است. در روایتی، پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب سؤال ام سلمه که عرض کرد: آیا من هم با شما هستم؟ فرمود: «إِنَّكَ إِلَيَّ (علی) خیر»^۲. در روایت دیگری فرمود: «إِنَّكَ إِلَيَّ خیر، أَنْتَ مِنْ أَزْوَاجِ

۱. ملطی، یوسف بن موسی، المعتمر من المختصر من مشکل الآثار، ۲/۲۶۷.

۲. شیبانی، احمد بن محمد، مسند أحمد بن حنبل، ۱۱۹/۴۴، شماره ۲۶۵۰۸؛ ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الكبير (سنن الترمذی)، ۱۷۵/۶، شماره ۳۸۷۱؛ موصلی، احمد بن علی، مسند أبي يعلى الموصلي، ۴۳۶/۹، شماره ۷۰۲۱؛ آجری، محمد بن حسین، الشریعة، ۲۲۰۹/۵، شماره ۱۶۹۷؛ ثعلبی، احمد بن ابراهیم، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، ۴۲۸/۲۱؛ جزری، مبارک بن اثیر، جامع الأصول في أحاديث الرسول، ۱۵۵/۹، شماره ۶۷۰۲؛ دمشقی، اسماعیل بن کثیر، تفسير القرآن العظيم، ۴۱۳/۶.

النبي^۱. بنابر نقل دیگری ایشان فرمود: «لا، وأنت على خير»^۲. بر اساس روایتی دیگر، اُم سلمه پاسخ پیامبر را این گونه نقل می کند: «فوالله ما أنعم، وقال: إِنَّكَ إِلَى خَيْر»^۳. و نیز اُم سلمه در روایتی دیگر می گوید: «فقال: إِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ خَيْرًا. فوددت أَنَّهُ قال: نعم، فكان أَحَبَّ إِلَيَّ مما تطلع عليه الشمس وتغرب»^۴. و نیز می گوید: «قال: إِنَّكَ مِنْ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ وما قال: إِنَّكَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْت»^۵. بنابر روایت دیگری، بعد از آن که پیامبر ﷺ، امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه و حسنین (علیهم السلام) را زیر کساء جمع کرده و برای آنان دعا نمود، اُم سلمه کساء را بلند می کند تا همراه با ایشان داخل کساء شود. اما اُم سلمه می گوید: «فجذبه من يدي، وقال: إِنَّكَ عَلَى خَيْر»^۶. پیامبر خدا ﷺ این گونه عبارات را به سایر همسران خویش نیز فرموده اند. ایشان به عایشه نیز این گونه پاسخ می دهد: «تَنَحَّيْ، فَإِنَّكَ إِلَى (على) خَيْر»^۷. همچنین به زینب بنت جحش می فرماید: «مَكَانَكَ، فَإِنَّكَ إِلَى خَيْرٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ»^۸.

۱. طبری، محمد بن جریر، تفسیر الطبری (جامع البیان عن تأویل آی القرآن)، ۱۰۵/۱۹؛ و نیز ر.ک: طحاوی، احمد بن محمد، شرح مشکل الآثار، ۲۳۸/۲-۲۴۰، شماره ۷۶۵ و ۷۶۶؛ جزری، مبارک بن اثیر، جامع الأصول فی أحادیث الرسول، ۱۵۵/۹، شماره ۶۷۰۲؛ دمشقی، اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۴۱۳/۶؛ سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۳۸/۱۲.

۲. موصلی، احمد بن علی، مسند أبی یعلی الموصلی، ۳۱۵/۹، شماره ۶۸۸۸؛ دمشقی، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ۲۰۶/۱۳.

۳. طبری، محمد بن جریر، تفسیر الطبری (جامع البیان عن تأویل آی القرآن)، ۱۰۷/۱۹؛ دمشقی، اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۴۱۳/۶.

۴. طحاوی، احمد بن محمد، شرح مشکل الآثار، ۲۴۴/۲، شماره ۷۷۲.

۵. همان، ۲۳۹/۲، شماره ۷۶۵؛ دمشقی، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ۱۴۵/۱۴.

۶. شیبانی، احمد بن محمد، مسند أحمد بن حنبل، ۳۲۸/۴۴، شماره ۲۶۷۴۶؛ موصلی، احمد بن علی، مسند أبی یعلی الموصلی، ۴۴۰/۹، شماره ۷۰۲۶؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، ۴۷/۳، شماره ۲۶۶۴؛ دمشقی، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ۱۴۱/۱۴-۱۴۲؛ سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۳۸/۱۲.

۷. ثعلبی، احمد بن ابراهیم، الكشف والبيان عن تفسیر القرآن، ۴۳۰/۲۱؛ دمشقی، اسماعیل بن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۴۱۴/۶.

۸. ثعلبی، احمد بن ابراهیم، الكشف والبيان عن تفسیر القرآن، ۴۳۱/۲۱.

۲-۱-۲. عصمت مستفاد از آیه، نافی شمول همسران

بر اساس آنچه که در مبحث سوم از همین نوشتار خواهد آمد، آیه تطهیر دال بر عصمت «أهل البيت» است. بنابراین، با وجود چنین دلالتی، تردیدی در عدم شمول همسران باقی نمی ماند؛ زیرا بر عدم عصمت آنان، اجماع و اتفاق نظر مسلمانان وجود دارد.

۲-۱-۳. توقف بر کسانی که آیه در شأن آنان نازل شده است

نزول برخی از آیات قرآن کریم پس از اسباب خاص واقع شده است. در بعضی از این آیات، الفاظ عامی استعمال شده که موجب گردیده است بین عالمان و اصولیون بحثی ایجاد شود که آیا در این گونه آیات باید عمومیت الفاظ را اخذ کرد یا خصوصیت سبب را در نظر گرفت؟ مشهور علما گفته اند: عبرت به عموم لفظ است، نه خصوص سبب. اما در این میان، برخی از عالمان و بزرگان، قول دوم - که اخذ به خصوصیت سبب است - را برگزیده اند.^۱

در بحث ما، چه قائل شویم به اینکه عبرت به عموم لفظ است و چه بگوییم خصوص سبب ملاک است، در هر صورت «أهل البيت» شامل همسران پیامبر ﷺ نمی شود؛ زیرا در صورتی که بگوییم عبرت به خصوص سبب است، مدّعی ما به روشنی ثابت می شود؛ زیرا در گذشته بیان کردیم که سبب نزول آیه تطهیر خمسۀ طیبه ﷺ هستند. پس بنابر این قول، «أهل البيت» به یقین همسران پیامبر ﷺ را دربر نمی گیرد.

اما اگر قول مشهور را در نظر بگیریم که ملاک را عمومیت لفظ قرار داده اند، باز هم «أهل البيت» شامل همسران نخواهد بود؛ زیرا بنابر این قول، اخذ به عمومیت لفظ مشروط به دو امر است:

نخست اینکه لفظ عام در آیه وجود داشته باشد تا بتوان عموم آن را اخذ کرد.^۲ این در حالی است که واژه «أهل البيت» در آیه تطهیر - همچنان که در گذشته اثبات نمودیم - واژه و عنوانی خاص است که مصادیق آن را فقط پیامبر خدا ﷺ می داند و می تواند آنان را معرفی کند؛ از این رو عمومیتی برای آن متصور نیست تا بتوان عموم آن را اخذ کرد.

۱. نمله، عبد الکريم بن علی، المهدّب في علم أصول الفقه المقارن، ۱۵۳۳/۴ - ۱۵۳۵.

۲. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الإتيان في علوم القرآن، ۲۰۲/۱.

دوم اینکه قرینه‌ای بر خصوصیت سبب وجود نداشته باشد^۱، حال آنکه در آیه تطهیر قرینه بر خصوصیت سبب وجود دارد. قرینه، تصریح پیامبر ﷺ به خروج همسران و همچنین عصمت مستفاد از آیه است که باعث می‌شود تنها به قدر متیقن از مصادیق «أهل البيت» که آیه تطهیر در شأن آنان نازل شده است، بسنده کنیم.

۲-۲. دلایل و شبهات مطرح شده برای تعمیم آیه نسبت به همسران و نقد آن‌ها

۲-۲-۱. استناد به معنای لغوی و عرفی «أهل البيت»

فهد بن کریم انصاری، بر پایه معنای لغوی و عرفی واژه «أهل البيت» و نیز با استناد به کاربردهای دیگر این واژه در قرآن کریم، ادعا می‌کند که همسران پیامبر ﷺ در آیه تطهیر داخل‌اند؛ زیرا واژه «أهل البيت» در زبان و عرف بر همسر نیز اطلاق می‌شود. همچنین، در برخی آیات قرآن، واژه «أهل البيت» و «أهل» درباره همسر به کار رفته است؛ مانند آیه «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمْتُ اللَّهَ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»^۲ که خطاب به همسر حضرت ابراهیم علیهِ السلام است، و آیه «قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۳ که سخن همسر عزیز مصر خطاب به شوهرش است^۴.

پاسخ

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، واژه «أهل البيت» در معنای لغوی عام خود بر هرکس که با خانه شخص انس و پیوند و ارتباطی دارد، اطلاق می‌شود؛ از این رو، به طور کلی اطلاق آن بر همسر، فرزند، خدمتکار و هرکس که در خانه سکونت دارد، درست است. اما باید توجه داشت که آنچه گفته شد، تنها درباره اصل صحت و جواز این اطلاق به طور کلی است، نه درباره هر استعمال خاص به صورت جداگانه. از این رو،

۱. زرقانی، محمد عبد العظیم، مناهل العرفان في علوم القرآن، ۱/۱۲۶.

۲. سوره هود: ۷۳.

۳. سوره يوسف: ۲۵.

۴. انصاری، فهد بن کریم، «آیه التطهیر بین السياق القرآنی والتأویل المذموم: دراسة عقدية مقارنة في ضوء عقيدة أهل السنة والجماعة»، مجلة الدراسات العقدية، ش ۲۷/ص ۲۶-۲۸.

ممکن است این واژه در برخی استعمالات، با توجه به قرائن و شواهدی که بر تخصیص دلالت دارند، به افراد خاصی اختصاص یابد. این کاربرد ویژه منافاتی با دیگر موارد که قرینه‌ای بر تخصیص در آن‌ها نیست، ندارد. براین اساس، با توجه به آنکه در آیه تطهیر دلایل و قرائن قطعی بر عدم شمول همسران وجود دارد. مانند تصریح پیامبر ﷺ به اختصاص آیه به اصحاب کسا و نیز تصریح ایشان بر خارج بودن همسران، افزون بر دلالت آیه بر عصمت «أهل البيت» - روشن می‌شود که همسران از این کاربرد خاص بیرون‌اند، اگرچه در دیگر کاربردهای واژه «أهل البيت» در قرآن و غیر آن داخل باشند.

۲-۲-۲. استدلال به سیاق آیات

فهد انصاری با استناد به سیاق آیات پیش و پس از آیه تطهیر که درباره همسران پیامبر ﷺ است، ادعای می‌کند، «أهل البيت» در آیه تطهیر شامل همسران نیز می‌شود. آنان می‌گویند: اذهاب رجس و تطهیر در حقیقت، ثمره و نتیجه اوامر و نواهی آیات پیش از آیه تطهیر است؛ یعنی نتیجه و پاداش التزام عملی همسران نسبت به اوامر و نواهی خداوند که در آیات قبل ذکر شده، اذهاب رجس و تطهیر است. حال چگونه ممکن است که اوامر و نواهی برای همسران باشد، اما نتیجه و پاداش انجام واجبات و ترک محرمات که اذهاب رجس و تطهیر است، نصیب اشخاص دیگری غیر از همسران شود؟

پاسخ

برای پاسخ به این شبهه چند مطلب را متذکر می‌شویم:

الف) اشکالی که شما با استناد به سیاق بر ما وارد کرده‌اید، به خودتان نیز وارد است؛ زیرا ما می‌گوییم: چگونه ممکن است اوامر و نواهی برای همسران پیامبر خدا ﷺ باشد، اما ثمره و نتیجه آن که اذهاب رجس و تطهیر است افزون بر همسران، به خمسة طيبة ﷺ نیز تعلق بگیرد؟! چگونه ممکن است که آیات پیش و پس از آیه تطهیر درباره همسران باشد، اما به ناگهان در این میان، آیه‌ای وجود داشته باشد که علاوه بر همسران، از خمسة طيبة نیز سخن بگوید؟!

ب) سیاق در جایی می‌تواند قرینیت بر مراد خداوند متعال داشته باشد که آیات به هم پیوسته، موضوع واحد داشته باشند^۱. اما در صورتی که آیات به هم پیوسته موضوع واحد نداشته باشند، سیاق قرینیت ندارد. از جمله مواردی که آیات به هم پیوسته موضوع واحد ندارند، آیه تطهیر و آیات پیش و پس از آن است. گواه این ادعا مطالب زیر است:

۱. آیه تطهیر به صورت مستقل و جدای از دیگر آیات نازل شده است. تمامی روایاتی که شأن نزول این آیه را بیان می‌کنند، تنها آیه ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ را بدون آیات پیش و پس از آن، همراه با سبب نزول آن ذکر می‌کنند.

۲. آیات پیش و پس از آیه تطهیر به گونه‌ای با یکدیگر پیوستگی و ارتباط دارند که اگر آیه تطهیر را از میان آن‌ها برداریم، هیچ خلل و آسیبی به معنا و مضمون آن آیات وارد نمی‌شود.

۳. ضمائر آیات قبل و بعد از آیه تطهیر، همگی به دلیل خطاب به همسران به صورت جمع مؤنث آمده است. این در حالی است که ضمائر آیه تطهیر به صورت جمع مذکر آمده است. این مطلب به خوبی عدم ارتباط موضوعی این آیه با آیات قبل و بعد را نشان می‌دهد.^۲

۴. لحن آیات قبل و بعد، لحن آمرانه و تهدیدآمیز است، اما لحن آیه تطهیر لحن فضیلت‌گویی و ستایش است.

این قرائن و شواهد ما را به این مطلب رهنمون می‌سازند که آیه تطهیر با آیات پیش

۱. المثنی عبد الفتاح محمود، «السياق القرآني وأثره في الترجيح الدلالي»، فضل حسن عباس، جامعة اليرموك، ۱۴۲۶هـ، ص ۳۶.

۲. ممکن است کسی بگوید: ضمائر آیه تطهیر به دلیل دخول پیامبر خدا ﷺ و امیرالمؤمنین و حسنین علیهم السلام در آیه و به جهت قاعده تغلیب به صورت جمع مذکر آمده است. در پاسخ به این سخن می‌گوییم: حتی اگر این کلام را صحیح فرض کنیم، باز هم این تغییر ضمائر، دست کم بر یکی نبودن موضوع آیه تطهیر با آیات قبل و بعد دلالت دارد؛ زیرا بنابر فرض شما، آیات قبل و بعد، فقط خطاب به همسران است، درحالی که مخاطب آیه تطهیر همسران به علاوه خمسة طيبة هستند. پس موضوع این آیات یکی نیستند.

و پس از خود، ارتباط و همبستگی موضوعی ندارد؛ بنابراین در اینجا نمی‌توان به سیاق آیات تمسک جست. ابو جعفر نحاس (د. ۳۳۸) مفسر و ادیب اهل سنت، به جدا بودن آیه تطهیر از ماقبل تصریح کرده و این سخن را به اکثر مفسرین نسبت می‌دهد. وی در القطع والإعتناف می‌نویسد:

«وَأَطَعَنَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ»^۱، بیشتر مفسران بر این باورند که آنچه پس از این آمده، از آنچه پیش از آن است، جداست، جز عکرمه... این قول خطاست، و اگر چنان بود که او گفته است، باید عبارت «عَنْكَ» می‌آمد. درباره این مطلب از هفت تن از اصحاب رسول خدا ﷺ سخنی برخلاف گفته او نقل شده است. آن هفت تن عبارت‌اند از: سعد بن ابی وقاص، عمر بن سلمه، عایشه، أم سلمه، واثله بن الأسقع، ابو سعید خدری و انس بن مالک. آنان گفتند: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» درباره علی، فاطمه، حسن و حسین است...^۲ ج) حتی اگر قرینیت سیاق را در آیه تطهیر از باب مدارا با مخالفین بپذیریم، می‌گوییم: قرینیت سیاق در جایی حجت و معتبر است که نصی برخلاف آن وجود نداشته باشد و حال آنکه در آیه تطهیر نص صریح و صحیح از جانب پیامبر خدا ﷺ مبنی بر عدم دخول همسران وجود دارد که عبارات آن در گذشته ذکر گردید. افزون بر اینکه مفاد آیه تطهیر، عصمت «أهل البيت» است و این، قرینه متقن دیگری بر عدم حجیت سیاق در این آیه است.

لازم به ذکر است، برخلاف ادعای مخالفین^۳، قرار گرفتن آیه تطهیر در بین آیات مربوط به همسران با موضوع و مخاطبان متفاوت، موجب چیستان‌گویی و پنهان شدن حقیقت در مضمون و دلالات آیات قرآن نمی‌شود؛ زیرا خداوند متعال، پیامبر ﷺ را به عنوان مبین و مفسر قرآن معرفی نموده^۴ و پیامبر ﷺ نیز با گفتار

۱. سوره احزاب: ۳۳.

۲. نحاس، احمد بن محمد، القطع والاعتناف، ۵۵۱/۲-۵۵۲.

۳. انصاری، فهد بن کریم، «آیه التطهیر بین السیاق القرآنی والتأویل المذموم: دراسة عقدية مقارنة في ضوء عقيدة أهل السنة والجماعة»، مجلة الدراسات العقدية، ش ۲۷/ص ۲۲.

۴. «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ». سوره نحل: ۴۴.

و رفتار خود معنا و مفهوم آیه تطهیر و مصادیق «أهل البيت» را به روشنی برای مردم بیان کرده و جای هیچ گونه شک و تردیدی را باقی نگذاشته است. گفتنی است قرار گرفتن یک جمله با موضوع متفاوت بین دو مطلب - که به آن جمله معترضه گفته می شود - در قرآن و ادبیات عرب نمونه های فراوانی دارد و به گفته دانشمندان ادبیات، موجب تقویت و زیبایی سخن می شود.^۱ ابن هشام در مغنی اللیب در مقام بیان اقسام جمله معترضه، آخرین قسم از آن را واقع شدن جمله معترضه بین دو جمله مستقل معرفی می کند و می نویسد:

هفدهم: میان دو جمله مستقل؛ مانند آیه «فَأْتَوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»^(۲۲۲) نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ^۲؛ زیرا جمله «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ» تفسیر سخن خداوند متعال است که فرمود: «مَنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ»؛ یعنی مقصود از جایی که خداوند به آن فرمان داده، محل کشت (موضع تولید نسل) است که دلالت دارد بر اینکه هدف اصلی از آمیزش، طلب فرزند است، نه صرفاً ارضای شهوت. این آیه دربردارنده بیش از یک جمله معترضه است. و مانند آن است آیه «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ»^۳، و نیز آیه «رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ»^۴ بر اساس قرائتی که در آن تاء «وضعت» ساکن خوانده می شود؛ زیرا دو جمله ای که با «إِنِّي» آغاز می شوند، از سخن مریم عليها السلام است و آنچه میان آن دو آمده، جمله معترضه است....^۵

۱. انصاری، عبد الله بن یوسف، مغنی اللیب عن کتب الأعراب، ۵۶/۵.

۲. سورة بقره: ۲۲۲-۲۲۳.

۳. سورة لقمان: ۱۴.

۴. سورة آل عمران: ۳۶.

۵. انصاری، عبد الله بن یوسف، مغنی اللیب عن کتب الأعراب، ۸۶-۸۲/۵.

۳-۲-۲. ادعای لغویت آیه تطهیر در صورت اختصاص به خمسۀ طیبه و عدم شمول همسران

فهد انصاری، با استناد به مبانی کلامی شیعه که قائل به عصمت و تطهیر اهل بیت علیهم السلام حتی پیش از ولادت آنان است، به اختصاص آیه تطهیر به پنج تن آل عبا علیهم السلام بدون دربرگیری همسران پیامبر صلی الله علیه و آله - اشکال وارد کرده است. وی این رویکرد را موجب لغویت مفاد آیه می داند؛ زیرا مخاطبان آیه تطهیر که خداوند در این آیه اراده تطهیر آنان را نموده، پیش از نزول آیه نیز پاک و معصوم بوده اند.^۱

پاسخ

تطهیر و عصمت اهل بیت علیهم السلام در عالم ثبوت و در واقع و حقیقت، یک مطلب است و اخبار و اثبات آن مطلبی دیگر. خداوند در آیه تطهیر از اراده خویش برای دفع رجس از اهل البیت و تطهیر ایشان خبر می دهد و آن را برای مردم بیان می کند، اما اینکه تطهیر از چه زمانی حاصل شده است؛ از ابتدای خلقت اهل البیت یا زمان نزول آیه، آیه در این باره ساکت است. در هر صورت، هدف و غرض از آیه تطهیر این است که مردم بدانند چه کسانی معصوم و حجت خدا بر روی زمین هستند تا بتوانند با تبعیت از ایشان، هدایت یافته و به سعادت دنیا و آخرت نائل آیند. به راستی، اگر خداوند متعال با بیان آیه تطهیر و امثال آن، معصومان و حجج خود را برای ما مشخص نمی نمود، چگونه می توانستیم آنان را بشناسیم؟! بنابراین، مفاد آیه تطهیر نه تنها لغو نیست، بلکه با اعتقاد شیعه به عصمت و طهارت اهل بیت علیهم السلام حتی پیش از ولادت نیز سازگار است.

۴-۲-۲. شمول آیه تطهیر نسبت به سایر ائمه علیهم السلام (غیر از اصحاب کساء)

اگر مقصود از «اهل البیت» در این آیه، فقط خمسۀ طیبه علیهم السلام است و افراد دیگر را شامل نمی شود، پس سایر ائمه دوازده گانه شیعه (غیر از اصحاب کساء علیهم السلام) را نیز دربر نمی گیرد. در این صورت آیه تطهیر چگونه بر عصمت سایر ائمه علیهم السلام دلالت می کند؟ بنابراین تخصیص به اصحاب کساء مانع شمول آیه نسبت به سایر

۱. انصاری، فهد بن کریم، «آیه التطهیر بین السیاق القرآنی والتأویل المذموم: دراسة عقدية مقارنة في ضوء عقيدة أهل السنة والجماعة»، مجلة الدراسات العقدية، ش ۲۷/ص ۲۳.

ائمه است و از سوی دیگر، تعمیم آیه نسبت به آنان، معارض و مخالف تخصیص به اصحاب کساء است.^۱

پاسخ

در آیه تطهیر، حکم آیه که همان عصمت است، به صورت انحصاری به عنوان «اهل البيت» تعلق گرفته است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد و در گذشته نیز مطالبی راجع به آن بیان شد، این است که «اهل البيت» واژه‌ای است که بر افراد خاصی اطلاق می‌شود. بیان شد که در زمان حیات پیامبر ﷺ و نزول آیه تطهیر، این واژه تنها بر پیامبر اکرم، امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم السلام اطلاق می‌شد و همسران پیامبر ﷺ را دربر نمی‌گرفت. اما این مطلب منافاتی ندارد با این که عنوان «اهل البيت» افراد دیگری را نیز شامل شود که در زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ و نزول آیه تطهیر هنوز به دنیا نیامده بودند. ادعای ما این است که نه امام از نسل امام حسین علیهم السلام نیز از مصادیق «اهل البيت» هستند، ولی آنان در زمان نزول آیه تطهیر حضور نداشتند تا پیامبر خدا ﷺ ایشان را هم زیر کساء جمع نماید و در حق آنان بگوید: «هؤلاء اهل بيتي» و هر روز به درب خانه‌شان رفته و آنان را با عنوان «یا اهل البيت» به نماز دعوت کند.

اما گواه بر صدق این عنوان بر سایر ائمه علیهم السلام، احادیث متواتر و صحیحی است که در منابع معتبر فریقین روایت شده است و نشان می‌دهد که تا روز قیامت باید فردی از «اهل البيت» در میان امت وجود داشته باشد.

یکی از این احادیث، حدیث معروف و متواتر «ثقلین»^۲ است. پیامبر خدا ﷺ در این

۱. همان، ص ۲۴-۲۵.

۲. ر.ک: شیبانی، احمد بن محمد، مسند أحمد بن حنبل، ۱۱۴/۱۸، شماره ۱۱۵۶۱؛ همان، ۴۵۶/۳۵، شماره ۲۱۵۷۸؛ نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ۴/۱۸۷۳، شماره ۲۴۰۸؛ ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الکبیر (سنن الترمذی)، ۶/۱۲۴، شماره ۳۷۸۶؛ نسائی، احمد بن شعیب، السنن الکبری، ۷/۳۱۰، شماره ۸۰۹۲؛ موصلی، احمد بن علی، مسند أبي يعلى الموصلي، ۲/۳۲۱، شماره ۱۰۲۱؛ طحاوی، احمد بن محمد، شرح مشکل الآثار، ۵/۱۸، شماره ۱۷۶۵؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ۵/۱۵۴، شماره ۴۹۲۲؛ نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۳/۱۶۰-۱۶۱، شماره ۴۷۱۱ و بسیاری از منابع دیگر.

حدیث، تمسک به اهل بیت خود در کنار قرآن را لازم دانسته و آن را مایه عدم ضلالت معرفی می‌کند و این دورا تا روز قیامت جدایی ناپذیر از یکدیگر توصیف می‌نماید. روشن است که این اوصاف در صورتی صحیح خواهد بود که فردی از «اهل البيت» تا روز قیامت همواره در میان اُمت وجود داشته باشد. برخی عالمان اهل سنت؛ همچون سمهودی، عبد الرؤوف مناوی و ابن حجر هیتمی به این مطلب اعتراف و تصریح کرده‌اند.^۱

حدیث دیگری که بر ضرورت وجود فردی از اهل بیت پیامبر ﷺ در میان اُمت تا روز قیامت دلالت دارد، حدیث موسوم به حدیث «امان» است. در این حدیث به صراحت بیان شده است که اهل بیت، مایه امنیت زمین و اُمت هستند و اگر وجود نداشته باشند، همه زمینیان از بین خواهند رفت. در این حدیث که با الفاظ گوناگون در منابع معتبر اهل سنت نقل شده است، پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «النجوم أمان لأهل السماء، إذا ذهب النجوم ذهب أهل السماء، وأهل بيتي أمان لأهل الأرض، فإذا ذهب أهل بيتي ذهب أهل الأرض»^۲.

با توجه به این احادیث که لزوم وجود فردی از اهل بیت در هر زمانی را بیان می‌کنند، و با در نظر گرفتن این مطلب که آخرین فرد از اصحاب کساء؛ یعنی امام حسین علیّه السلام در سال ۶۱ هجری به شهادت رسیده، روشن می‌شود که اهل بیت پیامبر ﷺ، فقط آن افرادی که زیر کساء جمع شده بودند نیستند، بلکه افرادی دیگری نیز از اهل بیت تا روز قیامت وجود خواهند داشت. این افراد همان نه امام از نسل امام

۱. ر.ک: سمهودی، علی بن عبد الله، جواهر العقدين في فضل الشرفين، ۹۴/۲؛ مناوی، محمد، فيض القدير شرح الجامع الصغير، ۱۵/۳؛ هیتمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقه، ۴۴۲/۲.

۲. شببانی، احمد بن محمد، فضائل الصحابة، ۶۷۱/۲، شماره ۱۱۴۵؛ و نیز ر.ک: فسوی، یعقوب بن سفیان، کتاب المعرفة والتاریخ، ۵۳۸/۱؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، ۲۵/۷، شماره ۶۲۶۰؛ نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک على الصحيحين، ۴۸۶/۲-۴۸۷، شماره ۳۶۷۶؛ دیلمی، شیرویه بن شهردار، الفردوس بمأثور الخطاب، ۳۱۱/۴، شماره ۶۹۱۳؛ دمشقی، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ۲۰/۴۰؛ طبری، احمد بن عبد الله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ص ۴۹؛ صالحی، محمد بن یوسف، سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد، ۶/۱۱-۷؛ متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، ۹۶/۱۲، شماره ۳۴۱۵۵.

حسین (علیه السلام) هستند که تنها در مورد ایشان ادّعای عصمت شده است؛ همان کسانی که تعدادشان به همراه امیرالمؤمنین، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) دوازده نفر است. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در روایتی که فریقین آن را نقل کرده اند و بر صحت آن اتفاق نظر دارند، خلفا و جانشینان خویش را تا روز قیامت دوازده نفر معرفی می کند^۱.

گواه دیگر بر صدق عنوان «اهل البيت» بر دیگر ائمه شیعه (علیهم السلام)، روایاتی است که درباره حضرت مهدی (علیه السلام) نقل شده است. بر اساس این روایات، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) مهدی را از «اهل البيت» می داند. ایشان در روایتی می فرماید: «مهدی از ما اهل البيت است. خداوند در یک شب امر او را اصلاح و آماده می گرداند»^۲، و در روایتی دیگر می فرماید: «قیامت برپا نخواهد شد تا آن گاه که زمین از ظلم و ستم و تجاوز پر شود، سپس مردی از اهل بیت من خروج می کند که آن را از قسط و عدالت پر می سازد، همان گونه که از ظلم و تجاوز پر شده بود»^۳. بنابر روایات، مهدی از فرزندان حضرت فاطمه (علیها السلام) و از

۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ۱۴۵۲/۳-۱۴۵۳، شماره ۱۸۲۱.

۲. عبسی، عبد الله بن محمد، الكتاب المصتف في الأحادیث والآثار، ۵۱۳/۷، شماره ۳۷۶۴۴؛ شیبانی، احمد بن محمد، مسند أحمد بن حنبل، ۷۴/۲، شماره ۶۴۵؛ قزوینی، محمد بن یزید، السنن، ۲۱۳/۵، شماره ۴۰۸۵؛ نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۶۰۰/۴، شماره ۸۶۷۰؛ اصبهانی، احمد بن عبد الله، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، ۱۷۷/۳؛ دیلمی، شیرویه بن شهردار، الفردوس بمأثور الخطاب، ۲۲۲/۴، شماره ۶۶۶۹.

۳. نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۶۰۰/۴، شماره ۸۶۶۹؛ و نیز ر.ک: شیبانی، احمد بن محمد، مسند أحمد بن حنبل، ۴۱۶/۱۷، شماره ۱۱۳۱۳؛ عتکی، احمد بن عمرو، البحر الزخار (مسند البزار)، ۲۲۵/۵-۲۲۶، شماره ۱۸۳۲؛ موصلی، احمد بن علی، مسند أبي یعلی الموصلی، ۲۹۹/۲، شماره ۹۸۷؛ بستی، محمد بن حبان، الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان، ۲۳۶/۱۵؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ۱۶۵/۱۰، شماره ۱۰۲۲۰.

۴. قزوینی، محمد بن یزید، السنن، ۲۱۴/۵، شماره ۴۰۸۶؛ سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن أبي داود، ۳۴۱/۶، شماره ۴۲۸۴؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ۲۶۷/۲۳، شماره ۵۶۶؛ نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۶۰۱/۴، شماره ۸۶۷۱-۸۶۷۲؛ دیلمی، شیرویه بن شهردار، الفردوس بمأثور الخطاب، ۲۲۳/۴، شماره ۶۶۷۰؛ جزری، مبارک بن اثیر، جامع الأصول فی أحادیث الرسول، ۳۳۱/۱۰، شماره ۷۸۳۵؛ متقی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، ۵۹۱/۱۴، شماره ۳۹۶۷۵.

نسل امام حسین عليه السلام است.^۱

همه این شواهد نشان می‌دهند که عنوان «اهل البيت» شامل دیگر ائمه دوازده گانه شیعه نیز می‌شود. این مطلب در روایات نقل شده در منابع شیعه به صراحت بیان شده است.^۲ حاصل آنکه عصمت در آیه تطهیر اختصاص به «اهل البيت» دارد و این عنوان اگرچه شامل همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌شود، ولی بر اساس روایات مورد قبول فریقین، بر سایر ائمه شیعه عليهم السلام نیز اطلاق می‌شود. پس هیچ اشکال و محظوری در این زمینه وجود ندارد.

۳. دلالت آیه بر عصمت «اهل البيت»

اثبات دلالت آیه تطهیر بر عصمت «اهل البيت» متوقف بر آن است که ابتدا اراده خداوند و اینکه آیا این اراده، تکوینی است یا تشریعی، شناخته و معلوم شود و سپس مفهوم اذهاب رجس و تطهیر تبیین شود.

۳-۱. مفهوم شناسی اراده در آیه

خدای متعال دو گونه اراده و خواست دارد: اراده تشریعی و اراده تکوینی. اراده تشریعی همان امر و نهی خداوند به فاعل مختار است که در تحقق فعل، اختیار فاعل نیز دخالت دارد؛ همچنان که قرآن می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»^۳، اما اراده تکوینی همان فعل خداوند است و در تحقق آن هیچ امر دیگری دخالت ندارد؛ یعنی همین که خداوند ایجاد امری را اراده کند، آن امر موجود شده و به فعلیت می‌رسد. خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۴.

۱. مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، ۳۷۱/۱-۳۷۲؛ مقدسی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی أخبار المنتظر وهو المهدي، ص ۸۲-۸۳ و ۲۸۴؛ طبری، احمد بن عبد الله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ص ۲۳۶.

۲. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ۳۹۱/۱؛ خزّاز، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثني عشر، ص ۱۵۶؛ عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ۱۶۹/۲.

۳. سوره بقره: آیه ۱۸۵.

۴. سوره یس: آیه ۸۲.

۵. میلانی، سید علی، جواهر الکلام فی معرفة الإمامة والإمام، ۱۸۸/۳-۱۸۹.

روشن است که آیه تطهیر در صورتی بر عصمت اهل البیت دلالت خواهد داشت که اراده و خواست خداوند در آن، از نوع اراده تکوینی باشد.

۱-۳. ادله تکوینی بودن اراده در آیه تطهیر

اراده در آیه تطهیر، اراده تکوینی است. دلیل این ادعا مطالبی است که در زیر بیان می شود:

اراده تشریعی خداوند نسبت به اذهاب رجس و تطهیر، به همه مردم تعلق گرفته و خداوند متعال از همه مردم دوری از پلیدی ها را به نحو تشریعی خواسته است، ولی در آیه تطهیر، خداوند متعال اذهاب رجس و تطهیر را تنها نسبت به اهل بیت علیهم السلام اراده کرده است؛ پس اراده در این آیه نمی تواند اراده تشریعی باشد. از این رو مدّعی ما اثبات می شود؛ یعنی اراده در آیه تطهیر، تکوینی است.

اما دلیل این مطلب که خداوند در آیه تطهیر، اذهاب رجس و تطهیر را فقط نسبت به اهل بیت علیهم السلام اراده کرده، نه همه مردم، وجود «إنما» در ابتدای آیه است که دلالت بر حصر دارد؛ بدین بیان که «إنما» اراده الهی به اذهاب رجس و تطهیر را محصور در اهل البیت علیهم السلام می کند.

دلیل دیگر بر تکوینی بودن اراده الهی در آیه تطهیر این است که این آیه در مقام مدح و تعظیم اهل البیت علیهم السلام و بیان فضیلت ایشان است؛ فضیلتی که صحابه ای چون اُم سلمه و سعد بن ابی وقاص آرزو می کردند که ای کاش این فضیلت نصیب آنان شده بود. در روایتی، اُم سلمه پس از آنکه به هنگام نزول آیه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سؤال می کند که آیا من هم از اهل البیت هستم، و پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان جواب منفی می دهد، با حسرت چنین می گوید: «دوست داشتم که ایشان می گفت: آری. این پاسخ برایم محبوب تر بود از هر آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب می کند».^۲

۱. ر.ک: نووی، یحیی بن شرف، صحیح مسلم بشرح النووي، ۵۴/۱۳؛ بیضاوی، عبد الله بن عمر، منهاج الوصول إلى علم الأصول، ص ۴۱؛ انصاری، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۳۱/۱۳؛ فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، ص ۱۱۷۷؛ سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الإقتان فی علوم القرآن، ۱۵۶۹/۴.

۲. طحاوی، احمد بن محمد، شرح مشکل الآثار، ۲۴۴/۲.

سعد بن ابی وقاص نیز زمانی که معاویه از او علت سب نکردن امیرالمؤمنین (علیه السلام) را جویا می شود، می گوید:

او را سب نمی کنم تا زمانی که سه فضیلت درباره اش به یاد دارم که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به او فرمود. اگر یکی از آن ها از آن من بود، برایم دوست داشتنی تر از شتران سرخ موی بود... او را سب نمی کنم تا زمانی که به یاد دارم هنگامی را که وحی بر پیامبر نازل شد، پس علی و دو پسرش و فاطمه را فراخواند و آنان را زیر ردای خود قرار داد، سپس فرمود: پروردگارا! اینان اهل بیت من هستند...^۱

فضیلت و تعظیم اهل البیت (علیهم السلام) در این آیه نزد عالمان اهل سنت نیز امری مشهور و واضح است. آن ها در کتب حدیث و مناقب خود، این آیه و حدیث کساء را ذیل فضائل اهل بیت (علیهم السلام) ذکر می کنند و در کتب تفسیر نیز آن را فضیلتی بزرگ می دانند. آلوسی در تفسیر روح المعانی می نویسد: «این است آنچه نزد من است در بیان آیه کریمه ای که در بردارنده فضیلتی بزرگ برای اهل بیت است»^۲. دانشمندان اهل سنت، در بیان علت منصوب بودن «أهل» در این آیه، نصب بنابر مدح را به عنوان یکی از وجوه، مطرح می کنند. ابواسحاق زجاج می نویسد: «أهل البیت بنابر مدح نصب داده شده است»^۳. زمخشری نیز می نویسد: «أهل البیت بنابر ندا یا مدح نصب داده شده است»^۴. واحدی، قرطبی، ابو البركات نسفی، ابن منظور، ملا علی قاری، محبی الدین درویش، وهبه زحیلی و دیگران نیز این سخن را درباره علت نصب «أهل» ذکر کرده اند^۵.

۱. نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۱۱۷/۳، شماره ۴۵۷۵؛ و نیز رک: عتکی، احمد بن عمرو، البحر الزخار (مسند البزار)، ۳۲۴/۳، شماره ۱۱۲۰؛ نسائی، احمد بن شعیب، السنن الکبری، ۴۲۸/۷، شماره ۸۳۸۵.

۲. آلوسی، محمود بن عبد الله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ۲۰۰/۱۱.

۳. زجاج، ابراهیم بن السری، معانی القرآن و إعرابه، ۲۲۶/۴.

۴. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۶۷/۵.

۵. رک: واحدی، علی بن احمد، التفسیر البسیط، ۲۴۱/۱۸؛ قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)، ۱۴۵/۱۷؛ نسفی، عبد الله بن احمد، تفسیر النسفی

بنابراین آیه تطهیر در مقام فضیلت‌گویی و مدح و تعظیم اهل البيت علیهم‌السلام است. حال سؤال این است که اگر اراده در این آیه، ارادهٔ تشریعی باشد، چه فضیلت و منقبتی برای اهل البيت علیهم‌السلام اثبات می‌شود؟ مگر خداوند از همهٔ مردم دوری از پلیدی‌ها و تطهیر را به‌نحو تشریعی اراده نکرده است؟ پس چه تفاوتی بین اهل البيت و غیر ایشان وجود دارد که باید این چنین مورد مدح و تعظیم خداوند قرار بگیرند؛ به‌گونه‌ای که صحابهٔ بزرگ هم آروزی چنین فضیلتی را داشته باشند؟ روشن است که چنین مدح و تعظیمی تنها با تکوینی بودن اراده سازگار است.

سوم آنکه روایاتی در منابع معتبر اهل سنت وجود دارد که بر تحقق دفع پلیدی‌ها از اهل بیت علیهم‌السلام و طهارت ایشان توسط خداوند دلالت دارد. تحقق تطهیر نشان‌دهندهٔ تکوینی بودن ارادهٔ الهی است؛ زیرا فاعلی که ارادهٔ تشریعی خداوند به آن تعلق گرفته، ممکن است واقع نشود. سیوطی در تفسیر خود ذیل آیهٔ تطهیر می‌نویسد:

حکیم ترمذی، طبرانی، ابن مردویه، ابو نعیم و بیهقی - هر دو در دلائل -

از ابن عباس روایت کرده‌اند که گفت: پیامبر خدا ﷺ فرمود: خداوند

مخلوقات را به دو بخش تقسیم نمود و مرا در بهترین آن دو بخش قرار

داد، و این است معنای سخن او: ﴿وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ﴾^۱، ﴿وَأَصْحَابُ

الشَّمَالِ ﴿٢﴾؛ پس من از اصحاب یمن و بهترین اصحاب یمنم. سپس

آن دو بخش را سه قسمت کرد و مراد در بهترین آن سه قرارداد داد، و این است

سخن او: ﴿فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا

أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿٩﴾ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿١٠﴾؛ پس من از سابقین و بهترین

سابقینم. سپس آن سه بخش را به قبایل تقسیم کرد و مراد بهترین قبایل

قرار داد، و این است سخن او: ﴿وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ

(مدارك التنزيل وحقائق التأويل)، ٣/٣؛ انصاري، محمد بن مكرم، لسان العرب، ١١/٢٩؛

قاري، علي بن سلطان محمد، شرح الشفاء، ١/٤٦٢؛ درويش، محيي الدين، إعراب القرآن

الكريم وبيانه، ١٠/٨؛ زحيلي، وهبة، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، ٦/٢٢.

۱. سورۃ واقعہ: ۲۷.

٢. سورۃ واقعہ: ٤١.

۳. سورۃ واقعہ: ۸-۱۰.

أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ^۱؛ و من پرهیزگارترین و گرامی‌ترین فرزندان آدم نزد خدای تعالی هستم، و این سخن از روی فخر نیست. سپس قبایل را به خاندان‌ها تقسیم کرد و مرا در بهترین خاندان قرار داد، و این است سخن او: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا^۲؛ پس من و اهل بیت من از گناهان پاکیزه شده‌ایم.^۳

در روایت دیگری، امام حسن علیه السلام در ضمن یک سخنرانی پس از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام چنین می‌فرماید: «...من از اهل بیتی هستم که خداوند هرگونه رجس و پلیدی را از آنان دفع نمود و آنان را پاک و مطهر گردانید...»^۴.

۲-۱-۳. ادله تشریعی بودن اراده و پاسخ به آن‌ها

۲-۱-۳-۱. سیاق

انصاری، با استناد به سیاق آیات و اینکه آیه تطهیر پس از اوامری که خداوند متعال، همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را به آن اوامر مأمور کرده آمده، اراده در آیه تطهیر را اراده تشریعی می‌داند.^۵ همچنین وعد و وعیدی که در آیات گذشته وارد شده را نیز مؤید نظر خود می‌پندارد؛ زیرا وعد و وعید با اراده تشریعی و تکلیف که امکان فعل یا ترک آن وجود دارد، سازگار است؛ نه اراده تکوینی که متعلق آن حتماً واقع می‌شود.^۶

۱. سوره حجرات: ۱۳.

۲. سوره احزاب: ۳۳.

۳. «...فأنا وأهل بیتی مطهرون من الذنوب». سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ۴۲/۱۲-۴۳.

۴. «وأننا من أهل البيت الذين أذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهيراً». دولابی، محمد بن احمد، الذرية الطاهرة النبوية، ص ۷۴، شماره ۱۲۱؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الأوسط، ۳۳۷/۲، شماره ۲۱۵۵؛ نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۱۸۹/۳، شماره ۴۸۰۲؛ طبری، احمد بن عبد الله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ص ۲۳۹؛ صالحی، محمد بن یوسف، سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، ۶۷/۱۱؛ هیتمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة، ۴۲۵/۲.

۵. انصاری، فهد بن کریم، «آیه التطهیر بین السیاق القرآنی والتأویل المذموم: دراسة عقدية مقارنة فی ضوء عقيدة أهل السنة والجماعة»، مجلة الدراسات العقدية، ش ۳۲/۲۷-۳۳.

۶. همان، ص ۳۳.

پاسخ

بیان شد که سیاق در جایی می‌تواند قرینه باشد که آیات به هم پیوسته موضوع واحد داشته باشند، و اثبات شد که آیه تطهیر با آیات پیش و پس از خود، وحدت موضوعی ندارد؛ پس سیاق در اینجا نمی‌تواند قرینه بر تشریعی بودن اراده الهی باشد. افزون بر اینکه دلایل قطعی بر تکوینی بودن اراده اقامه شد و قرینه سیاق - بر فرض پذیرش - توان مقابله با آن دلایل را ندارد.

۲-۱-۳. سیره اهل البیت، نافی تکوینی بودن اراده

انصاری ادّعا می‌کند که توجّه به سیره اهل البیت ما را به تشریعی بودن اراده رهنمون می‌سازد؛ زیرا بعضی از اهل البیت گنهکار و برخی دچار خطا شدند. پس اراده نمی‌تواند تکوینی باشد.^۱

پاسخ

اگر مقصود شما از این سخن، سیره افرادی مانند برخی از همسران پیامبر ﷺ - که شما آن‌ها را هم از اهل البیت می‌دانید - است، در این صورت ما هم با شما موافق و هم نظر هستیم. آری، برخی از ایشان نه تنها دچار خطا و اشتباه شدند، بلکه گناهان نابخشودنی بسیاری مانند خروج و جنگ بر علیه امام و خلیفه مسلمانان را مرتکب شدند. لیکن پیش از این در همین نوشتار اثبات گردید که اهل البیت در آیه تطهیر، همسران پیامبر ﷺ را شامل نمی‌شود.

اما اگر مقصودتان، از سیره اهل البیت خمسۀ طیّبه به علاوه ثۀ امام از نسل امام حسین ﷺ است، در این صورت سخن کاملاً بی‌اساس و باطل را بی‌آنکه دلیلی بر آن اقامه کنید گفته‌اید. در گذشته روایتی از کتاب الدر المنثور سیوطی ذکر گردید که در آن، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «من و اهل بیت من از گناهان پاکیزه شده‌ایم». برخی از عالمان اهل سنت نیز به طهارت و پاکی اهل بیت ﷺ اعتراف کرده‌اند. برای نمونه، ملا علی قاری در شرح کتاب الفقه الاکبر درباره فضل و برتری فرزندان صحابه چنین می‌نویسد: صحیح‌تر آن است که برتری فرزندان، بر اساس ترتیب برتری پدرانشان است، جز فرزندان فاطمه زهرا، که آنان بر فرزندان ابوبکر و عمر و عثمان برتری

۱. همان، ص ۳۳ و ۳۵.

دارند؛ به سبب نزدیکی آنان به رسول خدا ﷺ؛ زیرا آنان عترت پاک و ذریّه پاکیزه‌ای هستند که خداوند پلیدی را از آنان زدود و آنان را پاک گردانید.^۱

۳-۲-۱-۳. دعای پیامبر ﷺ برای تطهیر اهل البيت

انصاری ادّعا می‌کند که حدیث کساء دلالت بر تشریعی بودن اراده دارد؛ زیرا در این حدیث، پیامبر ﷺ برای تطهیر اهل البيت دعا می‌کند. این در حالی است که اگر اراده الهی، اراده تکوینی بود، تطهیر اهل البيت محقق شده بود و دعا برای تحقق امری که از قبل محقق شده، عبث و بیهوده است و پیامبر ﷺ کار بیهوده انجام نمی‌دهد.^۲

پاسخ

پیامبر خدا ﷺ در نمازهای یومیّه خود، آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^۳ را قرائت می‌نمود که متضمّن دعا برای طلب هدایت است. مگر پیامبر ﷺ بر صراط مستقیم نبود؟ آیا این دعا تحصیل حاصل و بیهوده نیست؟

روشن است که دعا همیشه برای طلب امری که هنوز حاصل نشده نیست، بلکه گاهی دعا برای استمرار و تقویت امر حاصل شده از قبل است. پس همان‌گونه که اهل بیت علیهم السلام در اصل وجود و استمرار آن و دیگر نعمت‌ها، هر لحظه و هر آن نیازمند فیض خداوند متعال هستند، در استمرار تطهیر و عصمت نیز که موهبتی الهی است، به فیض خداوند محتاج هستند. از این رو دعای پیامبر ﷺ برای طلب تطهیر اهل بیت علیهم السلام منافاتی با تکوینی بودن اراده و در نتیجه تطهیر و عصمت ایشان ندارد؛ زیرا این دعا، دعا برای استمرار عصمت است.

۱. «وَالْأَصْحَ أَنْ فَضْلَ أَبْنَائِهِمْ عَلَى تَرْتِيبِ فَضْلِ آبَائِهِمْ إِلَّا أَوْلَادَ فَاطِمَةَ عَلَیْهَا السَّلَامُ، فَإِنَّهُمْ يَفْضَلُونَ عَلَى أَوْلَادِ أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ وَعُثْمَانَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ؛ لِقُرْبِهِمْ مِنَ الرَّسُولِ ﷺ، فَهَمَّ الْعَتَرَةُ الطَّاهِرَةُ وَالذَّرِّيَّةُ الطَّيِّبَةُ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً.» قاری، علی بن سلطان محمد، شرح کتاب الفقه الأكبر، ص ۲۱۰. محمود بن اسماعیل خیرمیتی نیز این سخن را بیان کرده است. ر.ک: خیرمیتی، محمود بن اسماعیل، الذرة الغراء في نصيحة السلاطين والقضاة والأمراء، ص ۱۰۵.

۲. انصاری، فهد بن کریم، «آية التطهير بين السياق القرآني والتأويل المذموم: دراسة عقدية مقارنة في ضوء عقيدة أهل السنة والجماعة»، مجلة الدراسات العقدية، ش ۲۷/ص ۳۳.

۳. سورة حمد: ۶.

لازم به ذکر است است، دعای پیامبر ﷺ از آنجاکه ایشان مستجاب الدعوه هستند، خود، مؤید عصمت اهل بیت علیهم السلام است.

۴-۲-۱-۳. تطهیر از رجس، نتیجه عمل به اوامر و نواهی

تطهیر از پلیدی‌ها در حقیقت نتیجه عمل به اوامر و نواهی خداوند در آیات قبل است. آیات دیگری نیز در قرآن وجود دارد که اراده در آن‌ها، نتیجه و جزای عمل است. این آیات را ملاحظه کنید: «وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَصُرُوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^۱. «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا»^۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»^۳. «وَأَنْ أَحْكُمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ»^۴. «فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَنَزَهَاقَ أَنْفُسَهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ»^۵.

اراده در این آیات، جزا و نتیجه عمل است؛ خواه آن عمل خوب باشد و خواه بد. بنابراین اراده در آیه تطهیر نیز مانند آیات یادشده، تشریعی است^۶.

۱. سوره آل عمران: ۱۷۶.

۲. سوره نساء: ۲۸.

۳. سوره مائده: ۶.

۴. سوره مائده: ۴۹.

۵. سوره توبه: ۵۵.

۶. ر.ک: انصاری، فهد بن کریم، «آیه التطهیر بین السياق القرآنی والتأویل المذموم: دراسة عقديّة مقارنة في ضوء عقيدة أهل السنة والجماعة»، مجلة الدراسات العقديّة، ش ۲۷/ ص ۳۵-۳۷.

پاسخ

بیان شد که آیه تطهیر با آیات پیش و پس از خود وحدت موضوعی ندارد؛ ازاین رو آیه تطهیر نتیجه و پاداش عمل به اوامر در آیات گذشته نیست. از سوی دیگر، قیاس آیه تطهیر با آیات دیگر - اگر فرض کنیم که اراده در آن آیات، نتیجه عمل به اوامر است - قیاس مع الفارق است؛ زیرا در دیگر آیات مورد استناد، برخلاف آیه تطهیر، اراده همراه با حصر نیامده و همچنین آن آیات بر مدح و تعظیم دلالت ندارند، درحالی که در آیه تطهیر این گونه است و نمی توان اراده را در آن بر اراده تشریعی حمل کرد.

۲-۳. مفهوم شناسی اذهاب رجس و تطهیر

اراده تکوینی خداوند متعال به اذهاب رجس از «أهل البيت» و تطهیر آنان تعلق گرفته است؛ پس مراد خداوند قطعاً محقق می شود. اینک نوبت به مفهوم شناسی اذهاب رجس و تطهیر رسیده تا معلوم شود که این آیه چگونه بر عصمت اهل البيت دلالت می کند.

«یذهب» فعل مضارع معلوم از باب افعال از ریشه «ذ-ه-ب» و به معنای بردن است.^۱ «رجس» در لغت به پلیدی، زشتی و ناشایستی اطلاق می شود؛ خواه در عمل و رفتار باشد و خواه در گفتار. ابو اسحاق زجاج ادیب و لغت شناس مشهور در این باره می نویسد: «رجس در لغت به هر چیز ناپسند و پلید گفته می شود؛ خواه خوردنی باشد، یا کردار، یا زشتی».^۲ راغب اصفهانی جهت و دلیل پلیدی و ناشایستی رجس را به چهار دسته تقسیم می کند و می نویسد: «رجس چهار گونه است: یا از جهت طبع، یا از جهت عقل، یا از جهت شرع، یا از هر سه جهت با هم؛ مانند مردار؛ زیرا مردار از نظر طبع و عقل و شرع نفرت انگیز است».^۳ به هر روی، هر آنچه که که پلید، زشت و ناپسند باشد، «رجس» بر آن اطلاق می شود. ابن فارس معنای جامع

۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، ۱۳۰/۱.

۲. زجاج، ابراهیم بن السری، معانی القرآن وإعرابه، ۲۲۶/۴؛ و نیز ر.ک: البیری، محمد بن ابی زمنین، تفسیر القرآن العزیز، ۳۹۸/۳؛ واحدی، علی بن احمد، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ۸۶۵/۲.

۳. اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۴۲.

این کلمه را اختلاط و ناخالصی می‌داند.^۱ بر همین اساس و با توجه به اینکه در آیه تطهیر، «رجس» همراه با الف و لام استغراق آمده، هرگونه گفتار، رفتار، صفت، اخلاق و اندیشه که پلید، ناپسند و ناشایست بوده و در آن ناخالصی و اختلاط وجود داشته باشد، «الرجس» بر آن اطلاق می‌شود.

«يُطَهِّرْكُمْ» مضارع معلوم باب تفعیل از ماده «ط - ه - ر» به معنای پاکی و خلوص و از میان رفتن آلودگی است.^۲ راغب اصفهانی طهارت را دو گونه معرفی می‌کند و می‌نویسد: «طهارت بر دو گونه است: طهارت جسم و طهارت نفس، و عموم آیات بر هر دو حمل شده‌اند». بنابراین «تطهیر» به معنای پاک‌سازی و خالص‌سازی است. شایان ذکر است که خداوند متعال در این آیه، از تطهیر اهل بیت به صورت انحصاری و اختصاصی خبر می‌دهد؛ تطهیری مطلق و بدون هیچ‌گونه قید و شرط و به صورت مؤکد با استفاده از مفعول مطلق تأکیدی: «وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا». پس این تطهیر، پاک‌سازی و خالص‌سازی از هرگونه آلودگی و ناخالصی است؛ چه جسمانی و چه نفسانی، چه در اندیشه و چه در عمل و... .

۳-۳. تقریر وجه دلالت آیه بر عصمت اهل بیت

ارادهٔ تکوینی خداوند - که به معنای وقوع حتمی مراد اوست - بر اذهاب و دفع هرگونه پلیدی و ناخالصی از «اهل بیت» و تطهیر و خالص‌سازی ایشان تعلّق گرفته است. ازاین‌رو، «اهل بیت» مرتکب گناه؛ اعم از کبیره و صغیره نمی‌شوند. همچنین دچار خطا و سهو و نسیان نیز نمی‌گردند؛ زیرا این موارد نیز منجر به ناخالصی و اختلاط حق و کمال با باطل و نقصان می‌شوند و حال آنکه خداوند عموم پلیدی و اختلاط را از «اهل بیت» دفع نموده و به صورت مطلق ایشان را پاک و خالص گردانیده است. این مطلب چیزی جز عصمت «اهل بیت» نیست که برخلاف ادّعای مخالفان^۳، به صورت واضح و آشکار از قرآن با استفاده از لغت و قواعد ادبی و اصولی فهمیده می‌شود.

۱. رازی، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۴۹۰/۲.

۲. همان، ۴۲۸/۲.

۳. ر.ک: انصاری، فهد بن کریم، «آیه التطهیر بین السياق القرآنی والتأویل المذموم: دراسة عقديّة مقارنة في ضوء عقيدة أهل السنة والجماعة»، مجلة الدراسات العقديّة، ش ۲۷/ ص ۴۹ و ۶۵.

۴-۳. اذهاب رجس و تطهیر، مستلزم وقوع پیشین گناه نیست

ممکن است گفته شود که اذهاب رجس به معنای دفع رجس نیست، بلکه به معنای رفع و از بین بردن رجس است. لازمه رفع و از بین بردن رجس، وجود قبلی آن در اهل البیت است. به بیان دیگر، باید ابتدا اهل البیت مبتلا به رجس و گناه شده باشند تا رفع آن معنا پیدا کند. در این صورت، عصمت اهل البیت دست کم تا قبل از نزول آیه، منتفی است. این در حالی است که امامیه قائل به عصمت اهل البیت قبل از نزول آیه تطهیر است.^۱

تطهیر نیز از این جهت مانند اذهاب رجس است؛ زیرا تطهیر بعد از پیدایش آلودگی و گناه است؛ پس اهل البیت قبل از نزول آیه معصوم نبوده اند و بعد از آن تطهیر شده و معصوم گشته اند. اگر این گونه نباشد و ایشان قبل از نزول آیه نیز معصوم باشند، نزول آیه، تحصیل حاصل و لغو است.^۲

در پاسخ می‌گوییم: اصل اذهاب به معنای بردن و راندن است، اما اینکه مقصود از آن، رفع باشد یا دفع، بستگی به استعمالات مختلف آن دارد. البته اذهاب در هر دو معنای رفع و دفع استعمال شده است. به عنوان مثال، از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده که ایشان فرمود: «من ابتداء غداءه بالملح أذهب الله عنه سبعين نوعاً من البلاء»^۳. همچنین از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نقل شده که ایشان فرموده اند: «من أطعم أخاه حلاوة أذهب الله عنه مرارة الموت»^۴. روشن است که در این موارد، دفع بلا و تلخی مرگ قصد شده است.

تطهیر نیز همین گونه است؛ یعنی لازم نیست که مسبوق به آلودگی و گناه باشد. این واژه در چندین آیه از قرآن کریم به کار رفته، در حالی که قطعاً موصوف یا متعلق آن مسبوق به آلودگی نیست. از جمله این موارد، استعمال این واژه برای یکی از نعمت‌ها و پاداش‌های بهشتی؛ یعنی «أزواج» است. خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

۱. رک: همان، ص ۴۹ و ۶۵.

۲. رک: همان، ص ۴۰ و ۴۱.

۳. دینوری، عبد الله بن مسلم، عیون الأخبار، ۲۹۳/۳؛ بیهقی، احمد بن حسین، الجامع لشعب الايمان، ۱۰۱/۸.

۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۴۵۶/۷۲.

كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^۱. آلوسی در تفسیر خود درباره طهارت ازواج مذکور چنین می نویسد:

معنای ﴿مُطَهَّرَةٌ﴾ آن است که خداوند سبحان ایشان را از هر چیز ناپسند پاک ساخته است. اگر ایشان از حوران باشند - چنان که از عبد الله روایت شده است - معنای تطهیر این است که بر طهارت خلق شده اند و هیچ آلودگی ذاتی یا بیرونی به ایشان تعلق نگرفته است...^۲

پس اگر این ازواج، حورالعین باشند، اساساً بر طهارت خلق شده اند و سابقه هیچ گونه آلودگی در آن ها وجود ندارد.

یکی دیگر از موارد استعمال واژه تطهیر در قرآن، توصیف صُحُفِ الهی به این واژه است. خداوند متعال می فرماید: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُدْكِرُ الْغَيْثَ ۚ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ۚ﴾^۳ فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ^۴. در اینکه مقصود از این صحف چیست، اختلاف اقوال وجود دارد. آلوسی در این باره می نویسد:

مراد از آن، صحف منتسخ از لوح محفوظ است. و از ابن عباس روایت شده است که مراد، همان لوح است، که این قول خلاف ظاهر است. گفته شده است که منظور، صحف نازل شده بر پیامبران علیهم السلام است، مانند فرمایش خداوند: ﴿وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ﴾^۵. و گفته شده که مراد، صحف مسلمانان است، بنابر اینکه خبر غیبی باشد؛ زیرا قرآن در مکه در صحف جمع نشده بود، بلکه پراکنده در دفاف و جرید و مانند آن بود...^۶

مراد از صحف، هر کدام از موارد بالا باشد، تفاوتی در این مطلب ندارد که تطهیر آن ها قطعاً مسبوق به آلودگی نیست.

۱. سوره بقره: ۲۵. تعبیر «ازواج مطهّرة» در سوره آل عمران: ۱۵ و سوره نساء: ۵۷ نیز وجود دارد.

۲. آلوسی، محمود بن عبد الله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ۲۰۷/۱؛ و نیز ر.ک: اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، ۱۸۹/۱-۱۹۰.

۳. سوره عبس: ۱۱-۱۴.

۴. سوره شعراء: ۱۹۶.

۵. آلوسی، محمود بن عبد الله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ۲۴۴/۱۵.

همچنین در قرآن آمده است: «إِنَّهُ لَفَرَّقَ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۱. بسیاری از مفسرین، مقصود از «مطهرون» را فرشتگان دانسته‌اند.^۲ براین اساس، تطهیر در اینجا نیز قطعاً مسبوق به آلودگی نیست. نتیجه مطالب گذشته این شد که هم اذهاب به معنای دفع و جلوگیری آمده است و هم تطهیر لزوماً به معنای زدودن آلودگی پیشین نیست؛ ازاین رو اشکال پیش گفته مردود است.

افزون بر اینکه در خصوص آیه تطهیر، اذهاب نمی‌تواند به معنای رفع باشد و تطهیر نیز قطعاً مسبوق به آلودگی نیست؛ زیرا: اولاً کسی که گناهی را مرتکب می‌شود، ازاله و رفع آن گناه عملاً ممکن نیست؛ مگر آنکه زمان به عقب برگردد و از انجام گناه توسط او جلوگیری شود که در این صورت، علاوه بر محال بودن بازگشت زمان به عقب، باز هم اذهاب به معنای دفع می‌شود نه رفع. آری، می‌توان اذهاب رجس را رفع رجس معنا کرد، به شرط آنکه بگوییم مقصود از اذهاب رجس، اذهاب خود رجس نیست، بلکه اذهاب اثر رجس است؛ یعنی خداوند اثر رجس و گناه را از اهل البیت رفع نموده است. اما این معنا برخلاف ظاهر قرآن است.

ثانیاً پیامبر خدا ﷺ به یقین یکی از مصادیق «اهل البیت» در آیه است. اگر اذهاب به معنای رفع و تطهیر به معنای زدودن آلودگی باشد، لازمه‌اش این است که پیامبر ﷺ نیز قبل از نزول آیه، مبتلا به رجس و گناه شده باشند. این در حالی است که نه تنها امامیه، بلکه بسیاری از اهل سنت نیز چنین چیزی را نمی‌پذیرند.^۳

۱. سورة واقعه: ۷۷-۷۹.

۲. ر.ک: جوزی، عبد الرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ۲۲۸/۴؛ شوکانی، محمد بن علی، فتح القدر الجامع بین فتنی الروایة والدراية من علم التفسیر، ۱۹۳/۵.

۳. بسیاری از اهل سنت علاوه بر عصمت در دریافت و ابلاغ وحی، انبیا را از گناهان کبیره و صغیره نیز معصوم می‌دانند (ر.ک: جرجانی، میر علی بن محمد، شرح المواقف، ۲۶۵/۸؛ تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح المقاصد، ۵۱/۵؛ سبکی، علی بن عبد الکافی و عبد الوهاب بن علی، الإبهاج فی شرح المنهاج، ۱۷۵۲/۵-۱۷۵۳؛ زرکشی، محمد بن بهادر، البحر المحيط فی أصول الفقه، ۱۶/۶؛ انصاری، عمر بن علی، التوضیح لشرح الجامع الصحیح، ۱۹۰/۲۹؛ عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری،

همچنین امام حسن و امام حسین علیه السلام در زمان نزول آیه، خردسال بوده‌اند. لازمه این اشکال آن است که ایشان نیز درحالی که طفل و خردسال بوده‌اند، مبتلا به رجس و گناه شده باشند!

ثالثاً کسانی که قائل به دلالت این آیه بر عصمت اهل البیت هستند، عصمت را در تمام عمر برای اهل البیت اثبات می‌کنند و کسانی که دلالت آیه بر عصمت اهل البیت را نمی‌پذیرند، در هیچ زمانی معتقد به عصمت اهل البیت نیستند؛ خواه قبل از نزول آیه و خواه بعد از آن. پس بر عدم تفصیل بین قبل از نزول آیه و بعد از آن، اجماع مرکب وجود دارد. بنابراین سخن مستشکل، منجر به خرق اجماع مرکب و احداث قول ثالث می‌شود^۱.

۵-۳. تفاوت تطهیر اهل البیت با تطهیر دیگران در قرآن

فهد انصاری ادعا کرده که خداوند متعال در قرآن از تطهیر بسیاری از بندگان خود خبر داده، حال آنکه این مطلب بر عصمت آنان دلالت ندارد. آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۲ و آیه «إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْلَامَ»^۳ از همین قبیل است. پس چگونه درباره کسانی که آیه تطهیر شامل آنان شده، ادعای عصمت می‌شود؟^۴

۱۰/۱۱؛ عینی، محمود بن احمد، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ۲۲/۲۷۹. حتی برخی از دانشمندان بر عصمت انبیا از کبائر و صغائر پست ادعای اجماع نموده‌اند. (ر.ک: اندلسی، عبد الحق بن غالب، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، ۲۱۱/۱؛ شوکانی، محمد بن علی، إرشاد الفحول إلى تحقيق الحق من علم الأصول، ۹۸/۱).

۱. بسیاری از عالمان اهل سنت، احداث قول ثالث را مطلقاً ممنوع دانسته‌اند. برخی دیگر نیز مشروط به آنکه قول ثالث، موجب رفع دو قول دیگر شود، آن را جایز نمی‌دانند. ر.ک: شوکانی، محمد بن علی، إرشاد الفحول إلى تحقيق الحق من علم الأصول، ۴۰۹/۱-۴۱۰.

۲. سورة توبه: ۱۰۳.

۳. سورة انفال: ۱۱.

۴. ر.ک: انصاری، فهد بن کریم، «آية التطهير بين السياق القرآني والتأويل المذموم: دراسة عقديّة مقارنة في ضوء عقيدة أهل السنة والجماعة»، مجلة الدراسات العقديّة، ش ۲۷/ ص ۴۵-۴۶ و ۶۶.

پاسخ این اشکال و شبهه در مطالب پیشین موجود است. در آیه تطهیر برخلاف دیگر آیات، خداوند از اراده تکوینی خود برای دفع هرگونه رجس و پلیدی از اهل البیت و پاک و خالص سازی ایشان به صورت مطلق خبر می دهد. روشن است که آنچه خدا اراده تکوینی آن را داشته باشد، به یقین محقق می شود، «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»^۱. بنابراین بر اساس دلالت آیه تطهیر، اهل البیت قطعاً معصوم هستند. اما در دیگر آیات، نه از اراده تکوینی خداوند اثری هست و نه عمومیت رجسی وجود دارد و نه تطهیر و خالص سازی مطلق و مؤکد یافت می شود. پس چگونه آن آیات بر عصمت دلالت داشته باشند؟!

گفتنی است، آیه اول مذکور، درباره تعدادی از صحابه نازل شده که از رفتن به غزه تبوک تخلف ورزیده، اما معترف به گناه خود شده و استغفار کرده بودند. تطهیر ذکر شده در این آیه نیز به معنای پاک سازی آنان به واسطه پرداخت صدقه، از آلودگی هایی است که به دلیل تخلف از جنگ به آن آلوده شده بودند^۲. آیه دوم نیز مربوط به جنگ بدر و نزول باران برای یاری مسلمانان و پاک سازی آنان از حدث و جنابت است^۳.

بنابراین تطهیر در این آیات، هیچ ارتباطی با عصمت ندارد و قیاس آن ها با آیه تطهیر، قیاس مع الفارق است.

نتیجه گیری

این پژوهش با رویکردی تحلیلی - انتقادی به واکاوی مقاله «آیه التطهیر بین السياق القرآنی والتأویل المذموم» پرداخته است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که ادعاهای محوری آن مقاله؛ یعنی شمول آیه نسبت به همسران پیامبر ﷺ و تشریعی بودن اراده، فاقد پشتوانه علمی و معتبر است. از رهگذر بررسی های سندی مشخص

۱. سوره یس: ۸۲.

۲. آلوسی، محمود بن عبد الله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ۱۴/۶.

۳. ر.ک: شیخی، علی بن محمد، تفسیر الخازن (لباب التأویل فی معانی التنزیل)، ۲۹۷/۲ - ۲۹۸؛ آلوسی، محمود بن عبد الله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ۱۶۵/۵.

گردید که روایات مورد استناد برای دخیل دانستن همسران، از ضعف سندی رنج برده و در مقابل، انبوه روایات صحیح و متواتر در منابع معتبر اهل سنت، شأن نزول آیه را مختص به اصحاب کساء علیهم السلام می‌دانند. همچنین، تحلیل معناشناختی «أهل البيت» در بستر آیه و با توجه به تصریحات پیامبر صلی الله علیه و آله در روایات صحیح، معنایی خاص و انحصاری را برای این عنوان اثبات نمود. از سوی دیگر، تبیین مفهوم «اراده» در آیه و قرائن موجود، از جمله حصر با «إنما» و لحن مدح و تبشیر، نشان داد که اراده خداوند در اینجا تکوینی است که تحقق قطعی مراد (تطهیر مطلق) را در پی دارد و این، مستلزم عصمت اهل بیت از هرگونه رجس و پلیدی است. در نهایت، شبهات مطرح شده در مقاله هدف؛ از جمله استدلال به سیاق، مسئله شمول سایر ائمه علیهم السلام و... نیز پاسخ داده شد.

فهرست منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

اجری، محمد بن حسین، الشریعة، ریاض: دار الوطن، ۱۴۱۸.

اصبهانی، احمد بن عبد الله، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، قاهره - بیروت: مکتبة

الخانجی - دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۶.

اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دمشق - بیروت: دار القلم - الدار الشامیة، ۱۴۳۰.

اندلسی، عبد الحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲.

اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفكر، ۱۴۳۲.

انصاری، عبد الله بن یوسف، مغنی اللیب عن کتب الأعریب، کویت: المجلس الوطنی للثقافة والفنون والأدب، ۱۴۲۱.

انصاری، عمر بن علی، التوضیح لشرح الجامع الصحیح، قطر: إدارة الشؤون الإسلامية، ۱۴۲۹.

انصاری، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴.

ألوسی، محمود بن عبد الله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵.

بستی، محمّد بن حَبّان، الإحسان في تقريب صحيح ابن حَبّان، ترتيب: على بن بلبلان فارسی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۸.

البیّری، محمّد بن ابی زمنین، تفسیر القرآن العزیز، قاهره: الفاروق الحديثة للطباعة والنشر، ۱۴۲۳.

بیضاوی، عبد الله بن عمر، منهج الوصول إلى علم الأصول، بیروت: مؤسسة الرسالة ناشرون، بی تا.

بیهقی، احمد بن حسین، الجامع لشعب الإیمان، ریاض: مكتبة الرشد بالتعاون مع الدار السلفية بیومباي بالهند، ۱۴۲۳.

ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الكبير (سنن الترمذی)، بیروت: دار الغرب الإسلامي، ۱۹۹۶.

تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح المقاصد، بیروت: عالم الكتب، ۱۴۱۹.

ثعلبی، احمد بن ابراهیم، الكشف والبيان عن تفسیر القرآن، جده: دار التفسیر، ۱۴۳۶.

جرجانی، میر علی بن محمد، شرح المواقف، بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۹.

جزری، مبارک بن اثیر، جامع الأصول في أحاديث الرسول، بی جا: مكتبة الحلواني - مطبعة الملاح - مكتبة دار البيان، ۱۳۹۲.

جوزی، عبد الرحمن بن علی، زاد المسیر في علم التفسیر، بیروت: دار الكتاب العربي، ۱۴۲۲.

جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، بیروت: دار العلم للملايين، ۱۳۹۹.

حزّانی، احمد بن عبد الحليم، منهج السنّة النبوية، عربستان سعودی: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ۱۴۰۶.

خزاز، علی بن محمد، كفاية الأثر في النصّ على الأئمة الإثني عشر، قم: انتشارات بيدار، بی تا.

خيرميتی، محمود بن اسماعيل، الدرة الغراء في نصيحة السلاطين والقضاة والأمراء، بیروت: مركز ابن الأرق لدراسات التراث السياسي، ۱۴۳۳.

درويش، محیی الدين، إعراب القرآن الكريم وبيانه، دمشق - بیروت - حمص: الإمامة - دار ابن كثير - دار الإرشاد للشؤون الجامعية، ۱۴۱۲.

دمشقی، اسماعیل بن كثير، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: دار طيبة للنشر والتوزيع، ۱۴۲۰.

دمشقی، عبد الرحمن بن محمّد، كتاب الأربعين في مناقب أمّهات المؤمنين، دمشق: دار الفكر، ۱۴۰۶.

دمشقي، على بن حسن، تاريخ مدينة دمشق، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٥.

دولابي، محمد بن احمد، الذرية الطاهرة النبوية، كويت: الدار السلفية، ١٤٠٧.
ديلمي، شيرويه بن شهردار، الفردوس بمأثور الخطاب، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٦.
دينوري، عبد الله بن مسلم، عيون الأخبار، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٦.
رازي، احمد بن فارس، معجم مقاييس اللغة، بي جا: دار الفكر، ١٣٩٩.
رازي، عبد الرحمن بن محمد، تفسير القرآن العظيم (تفسير ابن أبي حاتم)، مکه مكرمه - رياض: مكتبة نزار مصطفى الباز، ١٤١٧.

زجاج، ابراهيم بن السري، معاني القرآن وإعرابه، بيروت: عالم الكتب، ١٤٠٨.
زحيلي، وهبه، أصول الفقه الإسلامي، دمشق: دار الفكر، ١٤٠٦.
---، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، دمشق: دار الفكر، ١٤٣٠.
زرقاني، محمد عبد العظيم، مناهل العرفان في علوم القرآن، بي جا: مطبعة عيسى البابي الحلبي وشركاه، بي تا.
زركشي، محمد بن بهادر، البحر المحيط في أصول الفقه، كويت: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، ١٤١٣.

زمخشري، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل وعيون الأقاويل في وجوه التأويل، رياض: مكتبة العبيكان، ١٤١٨.
سبكي، على بن عبد الكافي وعبد الوهاب بن على، الإبهاج في شرح المنهاج، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٤.

سجستاني، سليمان بن اشعث، سنن أبي داود، بي جا: دار الرسالة العالمية، ١٤٣٠.
سمهودي، على بن عبد الله، جواهر العقدين في فضل الشرفين، بغداد: مطبعة العاني، ١٤٠٥.

سيوطي، عبد الرحمن بن ابي بكر، الإتقان في علوم القرآن، عربستان سعودی: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ١٤٢٦.
---، الدر المنثور في التفسير بالمأثور، قاهره: مركز هجر للبحوث والدراسات العربية والإسلامية، ١٤٢٤.

شوكاني، محمد بن على، إرشاد الفحول إلى تحقيق الحق من علم الأصول، رياض: دار الفضيلة للنشر والتوزيع، ١٤٢١.

---، فتح القدير الجامع بين فني الرواية والدراية من علم التفسير، دمشق - بيروت: دار ابن كثير - دار الكلم الطيب، ١٤١٤.

شيباني، احمد بن محمد، فضائل الصحابة، عربستان سعودی: مركز البحث العلمي وإحياء التراث الإسلامي - دار العلم للطباعة والنشر، ١٤٥٣.

---، مسند أحمد بن حنبل، تحقيق: شعيب ارنؤوط و ديكران، بيروت: مؤسسة الرسالة، بی تا.

شیحی، علی بن محمد، تفسير الخازن (لباب التأويل في معاني التنزيل)، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢٥.

صالحی، محمد بن يوسف، سبل الهدى والرشاد في سيرة خير العباد، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٤.

صدوق، محمد بن علی، کمال الدين وتمام النعمة، كربلا: مجمع الإمام حسين عليه السلام العلمي لتحقيق تراث أهل البيت عليه السلام، ١٤٣٩.

طبرانی، سليمان بن احمد، المعجم الأوسط، قاهره: دار الحرمين للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٥.

---، المعجم الكبير، قاهره: مكتبة ابن تيمية، بی تا.
طبری، احمد بن عبد الله، ذخائر العقبی في مناقب ذوي القربى، جده: مكتبة الصحابة، بی تا.

طبری، محمد بن جریر، تفسير الطبري (جامع البيان عن تأويل آي القرآن)، بی جا: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، ١٤٢٢.

طحاوی، احمد بن محمد، شرح مشكل الآثار، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٥.
عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ١٤٢٥.

عسی، عبد الله بن محمد، الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، بيروت: دار التاج، ١٤٠٩.

عتکی، احمد بن عمرو، البحر الزخار (مسند البزار)، بيروت - مدينه منوره: مؤسسة علوم القرآن - مكتبة العلوم والحكم، ١٤٠٩.

عسقلانی، احمد بن علی، تقريب التهذيب، حلب: دار الرشيد، ١٤١١.
---، تهذيب التهذيب، حيدرآباد دکن: مطبعة مجلس دائرة المعارف النظامية، ١٣٢٥.

---، فتح الباري بشرح صحيح البخاري، مصر: المكتبة السلفية، بی تا.
عینی، محمود بن احمد، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، بی جا: دار الفكر (افست: إدارة الطباعة المنيرية)، بی تا.

فسوی، یعقوب بن سفيان، كتاب المعرفة والتاريخ، مدينه منوره: مكتبة الدار، ١٤١٠.

نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲.
نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بی جا: دار إحياء الکتب العربیة - دار الکتب
العلمیة - دار الحدیث، ۱۴۱۲.

واحدی، علی بن احمد، أسباب نزول القرآن، دمام: دار الإصلاح، ۱۴۱۲.

---، التفسیر البسیط، ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ۱۴۳۰.

---، الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، دمشق - بیروت: دار القلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۵.
هیثمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة علی أهل الرفض والضلال والزندقة، بیروت:
مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۷.

هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، بیروت: دار الکتب العربیة، بی تا.

مقالات

انصاری، فهد بن کریم، «آیة التطهیر بین السیاق القرآنی والتأویل المذموم: دراسة
عقدیة مقارنة فی ضوء عقیده أهل السنة والجماعة»، مجلة الدراسات العقدیة،
ش. ۲۷، ۱۴۴۲.

مثنی، عبد الفتاح محمود، «السیاق القرآنی وأثره فی الترجیح الدلالي»، فضل حسن
عباس، جامعة الیرموک، ۱۴۲۶هـ.